



انتشارات مشاوران آموزش

ناشر تخصصی دروس عمومی  
ناشر تخصصی علوم انسانی

مجموعه کتاب‌های کنکور جامع

# عمومی عربی

۱۳۹۱ و ۱۴۰۰

سهمیلا خاکباز  
امینه کارآمد  
اسمعاعیل یونسپور لنگرودی

# آنچه ماری شیمل

## الدرس السادس



### انتظارات آموزشی

آنچه انتظار داریم در بایان این درس بدانید:

- حالتهای مختلف فعل مضارع را بشناسید و تأثیر حروف «ل، لـ» را از نظر ظاهر و معنی بر فعل مضارع بدانید.
- انواع «لـ» را بشناسید و بتوانید کاربردهای مختلف آن را در جمله تشخیص دهید و تأثیر آنها بر ترجمه را بدانید.

### واژگان و مفاهیم



### فعل‌ها

مثال	معنی مصدر	مضارع	مضاد
أشارتْ شیمل فی إِحْدَى مُقَابِلَاتِهِ إِلَى الْأَدْعِيَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ. = شیمل در یکی از مصاحبه‌هایش به دعاها اسلامی اشاره کرد.	اشارة کردن	يُشيرُ	أَشَارَ
كَانَتْ آنَه مارِي شیمل تُلْقِي مُحَاضَرَاتٍ بِالْلُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ. = آنه ماري شیمل به زبان فارسي سخنرانی می‌کرد.	انداختن	يُلقِي	أَلْقَى
فَبِلَّ وَفَاتِهَا أَوْصَتْ شیمل زُمْلَاءَهَا أَن يُسَكِّلُوا فَرِيقًا لِِلْجَوَارِ الدِّينِيِّ وَالْقَافِيِّ. = قبل از وفاتش به دوستانش توصیه کرد گروهی برای گفت‌وگوی دینی و فرهنگی تشکیل دهند.	سفارش کردن، توصیه کردن	يوصی	أَوْصَى
حَصَلَتْ آنَه مارِي شیمل عَلَى شَهَادَةِ الْدُّكْتُورَاهِ فِي الْفُلْسَفَةِ وَالدُّرْسَاتِ الْإِسْلَامِيَّةِ. = آنه ماري شیمل مدرک دکترا را در رشته فلسفه و مطالعات اسلامی به دست آورد.	به دست آوردن، کسب کردن	يَحْصُلُ عَلَى	حَصَلَ عَلَى
فَبِلَّ وَفَاتِهَا أَوْصَتْ شیمل زُمْلَاءَهَا أَن يُسَكِّلُوا فَرِيقًا لِِلْجَوَارِ الدِّينِيِّ وَالْقَافِيِّ. = شیمل قبل از وفاتش به دوستانش تشكیل دهند.	تشکیل دادن، شکل دادن	يُسَكِّلُ	سَكَّلَ
تَعْدُ الدُّكْتُورَاهُ «آنَه مارِي شیمل» مِنْ أَشْهَرِ الْمُسْتَشِرِيَّاتِ. = دکتر آنه ماري شیمل از مشهورترین خاورشناسان به شمار می‌آید.	به شمار آوردن، به حساب آوردن، شمردن	يَعْدُ	عَدَ
قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمِنًا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَشْلَفَتَا. = بادیه نشینان گفتند: ایمان آوردم؛ بگو ایمان نیاورده‌اید؛ بلکه بگویید: اسلام آوردم.	اسلام آوردن	يُسَلِّمُ	أَسْلَمَ
لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يَوْلِدْ. = نزاده است و زاده نشده است.	زاییدن	يَلِدُ	وَلَدَ
الَّذِي أَطْعَمُهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمِنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ. = کسی که در گرسنگی خوارکشان داد و از بیم ایمنشان کرد.	خوارک دادن، طعام دادن	يُطْعِمُ	أَطْعَمَ
الَّذِي أَطْعَمُهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمِنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ. = که در گرسنگی خوارکشان داد و از بیم ایمنشان کرد.	ایمن کردن، ایمان آوردن	يُؤْمِنُ	آمِنَ

### اسم‌ها

مثال	فارسی	عربی
تعلمتْ شیمل لُغَاتٍ كَثِيرَةً مِنْهَا الْفَارِسِيَّةُ وَالْعَرَبِيَّةُ وَالْأَنْجِلِيزِيَّةُ وَالْقَرْنَسِيَّةُ وَالْأَرْدِيَّةُ. = شیمل زبان‌های بسیاری از جمله فارسی، عربی، ترکی، انگلیسی، فرانسوی، و اردو را یاد گرفت.	اردو، زبان رسمی کشور پاکستان	أَرْدِيَّة
تعلمتْ شیمل لُغَاتٍ كَثِيرَةً مِنْهَا الْفَارِسِيَّةُ وَالْعَرَبِيَّةُ وَالْأَنْجِلِيزِيَّةُ وَالْقَرْنَسِيَّةُ وَالْأَرْدِيَّةُ. = شیمل زبان‌های بسیاری از جمله فارسی، عربی، ترکی، انگلیسی، فرانسوی، و اردو را یاد گرفت.	انگلیسی	إنْجِلِيزِيَّة
دَهَسْتْ شیمل فِي جَامِعَةِ أَنْجَرَةٍ. = شیمل در دانشگاه آنکارا درس داد.	آنکارا	آنْجَرَة
لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَخَدًا. = کسی برایش همتأ نبوده است.	همتا	الْكُفُو
كان الإِتَّحَادُ بَيْنَ الْحَسَنَاتِ مِنْ أَهَادِفِ الْقَرِيقِ الْقَافِيِّ. = اتحاد بین تمدن‌ها از اهداف گروه فرهنگی بود.	فرهنگی	نَقَافِيٌّ
الَّذِي أَطْعَمُهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمِنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ. = که در گرسنگی خوارکشان داد و از بیم ایمنشان کرد.	گرسنگی	جُوع
كان الإِتَّحَادُ بَيْنَ الْحَسَنَاتِ مِنْ أَهَادِفِ الْقَرِيقِ الْقَافِيِّ. = اتحاد بین تمدن‌ها از اهداف گروه فرهنگی بود.	تمدن	خَضَازَة
حَصَلَتْ آنَه مارِي شیمل عَلَى شَهَادَةِ الْدُّكْتُورَاهِ فِي الْفُلْسَفَةِ وَالدُّرْسَاتِ الْإِسْلَامِيَّةِ. = آنه ماري شیمل مدرک دکترا را در رشته فلسفه و مطالعات اسلامی کسب کرد.	دکترا	دُكْتُورَاه
حَصَلَتْ آنَه مارِي شیمل عَلَى شَهَادَةِ الْدُّكْتُورَاهِ فِي الْفُلْسَفَةِ وَالدُّرْسَاتِ الْإِسْلَامِيَّةِ. = آنه ماري شیمل مدرک دکترا را در رشته فلسفه و مطالعات اسلامی به دست آورد.	مدرک	شَهَادَة
فَحَصَلَتْ آنَه مارِي شیمل عَلَى فَخْرَيَّةٍ مِنْ جَامِعَةِ طَهْرَانٍ. = آنه ماري شیمل دکترای افتخاری را از دانشگاه تهران به دست آورد.	افتخاری	فَخْرَيَّة
تعلمتْ شیمل لُغَاتٍ كَثِيرَةً مِنْهَا الْفَارِسِيَّةُ وَالْعَرَبِيَّةُ وَالْأَنْجِلِيزِيَّةُ وَالْقَرْنَسِيَّةُ وَالْأَرْدِيَّةُ. = شیمل زبان‌های بسیاری از جمله فارسی، عربی، ترکی، انگلیسی، فرانسوی، و اردو را یاد گرفت.	فرانسوی	فَرْنَسِيَّة
اللَّهُ الصَّمَدُ. = خدا بِي نیاز است.	بی نیاز	الْأَصَمَد
لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَخَدًا. = کسی برایش همتأ نبوده است.	همتا	كُفُو
أشارتْ شیمل فِي إِحْدَى مُقَابِلَاتِهِ إِلَى الْأَدْعِيَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ. = شیمل در یکی از مصاحبه‌هایش به دعاها اسلامی اشاره کرد.	مصاحبه	مُقَابِلَة
كَانَتْ آنَه مارِي شیمل تُلْقِي مُحَاضَرَاتٍ بِالْلُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ. = آنه ماري شیمل به زبان فارسي سخنرانی می‌کرد.	سخنرانی	مُحَاضَرَة

مثال	فارسی	عربی
كانت مند طفلتها مشتاقة إلى إيران. = از کودکی اش مشتاق ایران بود.	از هنگام	منذ
كان قد جُسُور الصِّدَاقَةِ وَ التَّفَاهِمِ بَيْنَ أُورُوبَا وَ الْعَالَمِ الْإِسْلَامِيِّ مِنْ أَهْدَافِ الْفَرِيقِ الْقَافِيِّ. = كشیدن پلهای صداقت و تفاهم میان اروپا و جهان اسلامی از اهداف گروه فرهنگی بود.	کشیدن، گسترش	قد
تَعْدُ الدُّكْتُورَةُ آنَه ماري شيميل مُسْتَشِفِين. = دکتر آنماری شیمل از مشهورترین خاورشناسان به شمار می آید.	خاورشناس، شرق‌شناس	مُسْتَشِفِين
كانت آنه ماري شیمل مُند طفوئتها مُعجَبَةً بِإِيرَان. = آنہماری شیمل از هنگام کودکی اش شیفته ایران بود.	شیفته	مُعجَبَةٍ بِـ مُعجَبَةٍ

## اصطلاحات

اصطلاح	معنی	اصطلاح	معنی
ما يقاربُ	كانت تُلقي (كان يُلقى) مُحاصرةً سخرانی می کرد	نزدیک به	دَرْسَتْ شیمل ما يقاربْ حَمْسَةً وَ عِشْرِينَ عَامًا فِي جَامِعَةِ هَارْفَارْدْ. = شیمل نزدیک به بیست و پنج سال در دانشگاه هاروارد تدریس کرد.
دَرْسَتْ شیمل ما يقاربْ حَمْسَةً وَ عِشْرِينَ عَامًا فِي جَامِعَةِ هَارْفَارْدْ. = شیمل نزدیک به بیست و پنج سال در دانشگاه هاروارد تدریس کرد.	كانت آنه ماري شیمل مُند طفوئتها مُعجَبَةً بِإِيرَان. = آنہماری شیمل از هنگام کودکی اش شیفته ایران بود.	ما يقاربُ	دَرْسَتْ شیمل ما يقاربْ حَمْسَةً وَ عِشْرِينَ عَامًا فِي جَامِعَةِ هَارْفَارْدْ. = شیمل نزدیک به بیست و پنج سال در دانشگاه هاروارد تدریس کرد.

## متادفها

كلمه	معنى	متادف	كلمه	معنى	متادف	كلمه	معنى	متادف
مساکین	نيازمندان	قراء	مساکین	نيازمندان	سلام	آشتی	صلح	أهل
اندوهگین	محزون	محزون	اندوهگین	بزرگ	فَكَ	باز کرد	فتح	خانواده

## متضادها

كلمه	معنى	متضاد	كلمه	معنى	متضاد	كلمه	معنى	متضاد
كبیر	بزرگ	صغير	ذليل	خوار	عزيز	أَشْتَى	صلح	أَسْرَة
لَكَ	به نفع تو	عَلَيْكَ	فقراء	نيازمندان	أَغْنِيَاء	نَازِف	فتح	يَارِيَ كَرَد

## مفرد و جمعها

مفرد	معنى	جمع	مفرد	معنى	جمع	مفرد	معنى	جمع
مسرور	غمگین	وصال	صفي	برگریده	أَصْفَيَاء	برگریده	صفي	وصال
ذلّة	عزّ	سخّتى	آبرو	عَزِيزٌ	أَعْرَاضٌ	آبرو	عَزِيزٌ	سخّتى

## مصدرها

مصدر	معنى	مفرد	مفرد	معنى	مفرد	مفرد	معنى	مفرد
الْبَعْثُ	برانگیختن	يَبْعَثُ	تَبَاهَشَدْنَ	يَتَبَاهَشَدْنَ	يَتَبَاهَشَدْنَ	يَتَبَاهَشَدْنَ	يَتَبَاهَشَدْنَ	يَتَبَاهَشَدْنَ
الْحُزْنُ	غمگینشدن	يَحْزُنُ	الْعَبَادَةُ	يَعْبُدُ	يَعْبُدُ	الْحَمَى	يَحْمِي	يَحْمِي
الْحَمَى	حمایت کردن	يَحْمِي	الْعَبَادَةُ	يَعْبُدُ	يَعْبُدُ	الْخَوْفُ	يَخَافُ	يَخَافُ
الْخَوْفُ	ترسیدن	يَخَافُ	الْقَكَّ	بَازَكْرَدْنَ	بَازَكْرَدْنَ	الْذَّلَّةُ	يَذَلُّ	يَذَلُّ
الْذَّلَّةُ	خوارشدن	يَذَلُّ	الْتَّبَاحُ	بِيَرَوْزَشَدْنَ	بِيَرَوْزَشَدْنَ	الرُّجُوعُ	يَرْجِعُ	يَرْجِعُ
الرُّجُوعُ	بازگشتن	يَرْجِعُ	الْتَّبَاحُ	بِيَرَوْزَشَدْنَ	بِيَرَوْزَشَدْنَ	الرِّحْمُ	يَرْحَمُ	يَرْحَمُ
الرِّحْمُ	دلسوزی کردن	يَرْحَمُ	الْنَّظَرُ	نَگَاهَكَرَدْنَ	نَگَاهَكَرَدْنَ	الرَّدَّ	يَرْدُ	يَرْدُ
الرَّدَّ	برگرداندن	يَرْدُ	الولادة	زَايِدَن	زَايِدَن	الْبَعْثُ	يَبْعَثُ	برانگیختن

## گزیده جملات مفهومی

انسان با هر زبانی انسان است.	الإِنْسَانُ بِكُلِّ لِسَانٍ إِنْسَانٌ
آیا نداشتند که خداوند روزی را برای هر کس که بخواهد، می گستراند.	أَوْلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ.
همان که در گرسنگی خوراکشان داد و از بیم [دشمن] ایمنشان کرد.	الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ آمِنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ.
حق را بگو، هر چند تلخ باشد.	قُلِ الْحَقُّ وَ إِنْ كَانَ مُرَأً.
بهترین کارها میانه ترین آن هاست.	خَيْرُ الْأَمْوَالِ أَوْسَطُهَا.
کسی همانندش نیست.	لَمْ يَكُنْ لَهُ كَفُواً أَحَدٌ.
قطعاً خداوند برای قومی چیزی را تغییر نمی دهد تا این که خودشان چیزی را تغییر دهند.	إِنَّ اللَّهَ لَا يَعْبَرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يَعْبِرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ.
نیکی کن چنانکه دوست داری به تو نیکی شود.	أَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسِنَ إِلَيْكَ.
ظلم نکن چنانکه دوست نداری به تو ظلم شود.	لَا ظَلْمٌ كَمَا لَا ثُلْجٌ أَنْ ثُلَّمَ.



التزامی تبدیل می‌کند. تشخیص این که با کدام «ل» روبه‌رو هستیم دو راه دارد: یکی از طریق معنای جمله و دیگری از تغییراتی که در ظاهر فعل ایجاد می‌کند.

لیذهت: تا برود

مثال: لیذهت: باید برود

در بعضی از ساختارهای فعل مضارع، در هر دو مورد ظاهر فعل و شکل آخر مضارع یکسان است. برای مثال، «لیذهبو» می‌تواند به معنای «باید بروند» و یا «تا بروند» باشد. در این صورت توجه به کاربرد فعل در جمله و معنای جمله ضروری است.



هیچ یک از حروف «ل، ل، ل» بر سر فعل ماضی نمی‌آیند.

## آشنایی با الگوهای تستی قواعد

### <الکو اول: تأثیر «لـ، لاـ، لـ» بر مضارع>

۷۰) پاسخگویی

۱- فعل مضارع بعد از این حروف به شرطی صحیح است که انتهای آن شبیه فعل امر باشد. (جز در **يَعْلَمُ** و **تَعْلَمُ** که تغییری نمی‌بینیم). ۲- «لـ» و «لاـ» به فعل معنای منفی می‌دهند در کل «ما، لـ، لاـ» می‌توانند به فعل مفهوم منفی بدهند. («ما + مضارع = مضارع منفی» و «لن + مضارع = مستقبل منفی» را قبلًا خواندیم).

۳- در بین این حروف فقط «لـ» معنای مضارع را به مضارع منفی تبدیل می‌کند؛ پس اگر پرسیده شود کدام فعل معنای مضارع منفی دارد این دو حالت را بپیدا کنید: («ما + مضارع» ۴- اگر «لاـ» بعد از «آن» باید (آن لاـ)، معادل مضارع التزامی منفی است؛ در غیر این صورت، اگر انتهای فعل، مانند فعل امر باشد (یعنی تغییر کرده باشد)، آن فعل، نهی است و اگر تغییری در انتهای مضارع دیده نشود، مضارع منفی است. ۵- به تفاوت «لـ» و «لن» توجه کنید (حرکات ظاهری و معنای جمله به این تشخیص کمک می‌کند). ۶- «لـ» و همچنین «لای نهی» در مضارع هایی که دوم شخص نباشد، معادل مضارع التزامی در فارسی هستند.

۷- اگر پرسیده شود کدام فعل معادل مضارع التزامی است، موارد زیر را بپیدا کنید: فعل مضارعی را پیدا کنید که بر سر آن این حروف آمده باشد: (آن، کی، لیکی، حتی، لـ) و یا «لاـ» به شرطی که بر سر مضارعهای دوم شخص نباشد.

فعل شرط (إن تدرس تتعجب: اگر درس بخوانی موفق می‌شوی).

فعل مضارعی که در جمله بعد از اسم نکره باشد به شرطی که در ابتدای جمله اصلی نیز فعل مضارع آمده باشد. (ینچه تلمیذ یدرس: دانش‌آموزی که درس بخواند، موفق می‌شود).

۸- اگر پرسیده شود در کدام گزینه، فعل مفهوم «امر» دارد، امر مخاطب (دوم شخص) و یا نوعی از «لـ» را پیدا کنید که بر سر سایر صیغه‌های (سایر اشخاص به جز دوم شخص) همان‌گونه باشد و معادل «باید» ترجمه شود.

۷۱) عین الصَّحِيحَ حسب القَوَاعِدِ و المَفْهُومِ:

۱) أَبِتْ لِمْ تَكَبِّي تَمَارِينِكِ غَدَّاً.

۲) لِأَرْجِعْ إِلَى الْمَدْرَسَةِ فِي الْيَوْمِ الْمَاضِيِّ.

پاسخگویی در گزینه ۱، «لـ» بر سر فعل مضارع آمده و معنای فعل را به مضارع منفی تبدیل می‌کند در حالی که «غدآ» در انتهای اینهای در گزینه ۲، «لـ» بر سر فعل مضارع آمده است در حالی که «لـ، لـ» هیچ کدام بر سر مضارع نمی‌آیند. در گزینه ۳ «لـ» با توجه به معنای جمله معادل «باید» است و اولاً در فعل مضارع تغییر ایجاد می‌کند و ثانیاً معنای فعل را به مضارع التزامی (باید برگردان) تبدیل می‌کند که با زمان آخر جمله (في اليوم الماضي: در روز گذشته) هماهنگ ندارد. ولی در گزینه ۴ «لایجوز» مضارع منفی است و از نظر قواعد و مفهوم در جمله به کار رفته مشکلی ندارد، پس گزینه چهارم پاسخ است.

### <الکو دوم: تشخیص انواع لـ>

۷۲) پاسخگویی

۱- اگر «لـ» بر سر اسم آمده باشد حرف جر است و اگر پرسیده شود در کدام مورد «لـ» فتحه دارد موردی را پیدا کنید که «لـ» بر سر ضمیر آمده باشد و دقت کنید که این ضمیر «ی» نباشد. و اگر پرسیده شود در کدام مورد «لـ» ساکن است، موردی را پیدا کنید که «لـ» بعد از «فـ، وـ، ثمـ» باشد و بر سر فعل مضارع آمده باشد.

۲- اگر «لـ» بر سر فعل مضارع آمده باشد، ممکن است «لـ» به معنی باید و یا به معنی «تا». برای این که «باشد:

(الف) اگر «لـ» بر سر مضارع بباید، در صیغه‌هایی که آخرشان «ن» دارند، شکل ظاهری فعل با هر دو نوع «لـ» یکسان است ولی اگر «ن» نداشته باشد می‌توانید به آخر فعل توجه کنید: اگر آخر فعل علامت «ـ» باشد («ـ» به معنی باید است و اگر آخر فعل «ـ» داشته باشد به معنی «تا، برای این که» می‌باشد. (ب) در صورتی که فعل مضارع دوم شخص باشد «ـ» حتیماً به معنی «تا، برای این که» است. (لتذهیب: تا بروی: تا بروی) (ج) در صورتی که «ـ» ساکن و بعد از «فـ، وـ، ثمـ» باشد به معنی باید (لام امر) است. (فلیذهت: باید برود) (د) در صورتی که برای تشخیص، موارد فوق شما را باری ندهد و ظاهر فعل هم کمک نکند، ابتدا جمله را با «برای این که» معنی کنید، اگر مفهوم جمله نارسا و ناقص باشد، لام امر است و معادل «باید» معنی می‌شود.

۷۳) عین عبارَةٍ فِيهَا حِرْفُ اللَّامِ (لـ) يَدْلُلُ عَلَى الْأَمْرِ:

۱) لِلَّدَلِيفِينَ أَنْوَفَ حَادَّةَ. ۲) جَعَلَنَا اللَّهُ شَعُوبًا وَ قَبَائِلَ لِتَعْرِفَتِهِ.

پاسخگویی در گزینه‌های ۱ و ۴ «لـ» بر سر اسم آمده است و حرف جر محسوب می‌شود و در گزینه ۲، با توجه به ظاهر فعل (حرکت حرف آخر فعل که فتحه «ـ» است) و همچنین معنای جمله، «ـ» به معنی «تا» است. ولی در گزینه ۳ با توجه به معنای جمله «ـ» به معنی «باید» است. زیرا اگر «ـ» را معادل «برای این که» معنی کنید مفهوم جمله کامل نیست (مؤمن برای این که خدا را در هر حال عبادت کند...) و معنای صحیح جمله به این صورت است: (مؤمن در هر حال باید خدا را عبادت کند). بنابراین دلالت بر «امر» می‌کند، در ضمن حرکت کسره «ـ» در آخر فعل برای وصل شدن به کلمه بعد است و علامت اصلی کلمه ساکن «ـ» می‌باشد، پس گزینه سوم پاسخ است.

## ترجمه

☞ حرف «لَمْ» بر سر فعل مضارع می‌آید و علاوه بر تغییری که در ظاهر آن ایجاد می‌کند معنای آن را به «ماضی ساده یا نقلی منفی» تبدیل می‌کند.

**مثال:** يَذْهَبُ: می‌رود ⇔ لَمْ يَذْهَبُ: نرفت (نرفته است)



حرف «لَمْ» را با «لَمْ» (به معنی برای چه) اشتباہ نگیرید.

☞ «لای نهی» در صورتی که بر سر دوم شخص‌های مضارع باید معادل فعل نهی در فارسی ترجمه می‌شود. (لاتذهّب: نرو)  
☞ و اگر بر سر سایر ساختهای فعل مضارع (اول شخص و سوم شخص) باید معادل «مضارع التزامی منفی» یعنی «نباید» ترجمه می‌شود.

**مثال:** يَذْهَبُ: می‌روم ⇔ لا يَذْهَبُ: نباید بروم (نروم)

☞ در مجموع، حرف «لِ» ممکن است بر سر اسم یا فعل مضارع باید و روی معنای آنها تأثیر بگذارد.

به معنای «مالی - از آن» ⇔ لِمَنْ هَذِهِ الْحَقِيْقَةُ؟ = این چمدان مالی کیست?  
به معنای «برای» ⇔ إِلَّا شَرِيْفَ كَتَابًا لِيُؤْلَمِي. = برای فرزندم کتابی خریدم.  
به معنای «داشتن» ⇔ كَاتَلُّ أَلَّا بَيِّنَةً جَمِيلَةً = پدرم ماشین زیبایی داشت.

به معنای «باید» ⇔ لِيَكْتُبُ التَّلَمِيْدُ واجباته. = دانش آموز باید تکالیفش را بنویسد.  
به معنای «تا»، «برای این که» ⇔ يَدْرُسُ التَّلَمِيْدُ لِيَنْجُحَ فِي الْإِنْتِهَانِ = دانش آموز درس می خواند تا در امتحان موفق شود.



☞ «لِ» اگر بر سر فعل مضارع دوم شخص باید، معادل «باید» معنی نمی‌شود بلکه به معنای «تا»، «برای این که» است.

## تمرين تست

### وازگان و مفاهيم

١٣٩٠. عَيْنُ الْخَطَا عن التَّرَادِفِ وَالتَّضَادِ:

١ سلام: صلح / أغان: سعاد

٢ خائب ≠ أميس / سلام ≠ حرب

٣. عَيْنُ الْجَمْلَةِ الَّتِي لِيَسْتَ فِيهَا الْأَسْمَاءُ الْمُتَضَادَةُ:

١ المؤمنُ قليلُ الكلامِ كثيرُ العملِ.

٢ أنتِ النَّاسِ من قال الحق في ماله و عليه.

٣. عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْمَفْرَدِ:

١ شهر ⇔ أشهر / أحبتة ⇔ حبيب

٢ ألسن ⇔ لسان / خطط ⇔ خطبة

٣. عَيْنُ الْجَمْلَةِ الَّتِي فِيهَا اسْمُ الْجَمْعِ أَقْلَ:

١ تكلم مع أصدقائك ليلعلوا كيف يمكن لهم أن ينجحوا في أمرهم.

٢ هي من أشهر المستشرقين و تدعو العالم لفهم الحقائق الدينية.

٣. عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجِمَةِ:

١ انفرا ثاني أكبر مدينة في تركيا: دو شهر بزرگ

٢ أنت مُعجبة بياران: شيفته

٣. عَيْنُ الصَّحِيحِ حَسْبُ الْمَعْنَى:

١ بُعْثَتِ الْأَنْبِيَاءُ لِهَدَايَةِ الْبَشَرِ: فرنستاد/ برای هدایت

٢ قَلِيعَدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ: برای این که عبادت کنند

٣. عَيْنُ الصَّحِيحِ تَرْجِمَةً لِـ«لِ» عَلَى التَّرْتِيبِ: لِنَعْلَمُ أَنْ لِمَنْ هَذِهِ الْحَقَائِقُ لِتُرْسِلَهَا إِلَيْهِ.

٤. تا برای، باید

٥. باید، دارد، مال

١٣٩٧. عین العبارة التي فيها كلمة غير مناسبة:

١) المحافظة - المدينة - البلاد - الريف

٢) الحضارة - الثقافة - الحوار الذي

العربية - الأردنية - الإنجليزية - الفرنسية

٤) الشهر - الأسبوع - اليوم - السنة

١٣٩٨. «شهادة تُعطى لشخصٍ تقديرًا لجهوده في مجالٍ معين» عين الصحيح:

١) دكتوراه فخرية

٢) مقابلة

٣) محاضرة

٤) مهرجان

٣) مشاهدة

٤)

الحضارة / زميل

١) الحضارة / مضياف

٢) الثقافة / زميل

٣) الثقافة / مضياف

٤) عين عبارة فيها المترادف:

١) مارأيت أجود ولا أكرم منه.

٢) كان حاتم الطائي معروفاً بالكرم والجود.

٣) عين الخطأ:

١) أفضل الأعمال الكسب من الحلال: جمعه «أفضل»

٢) الدهر يومان يوم لك و يوم عليك: لكن ≠ عليك

٣) عين ما فيه كلام غريبة:

١) القشر - اللب - النوى - البذر

٢) الشريحة - السخن - الجوال - الرصيد

٣) عين ما فيه المتضاد والمترادف معاً:

١) امتنع الرجل كثيراً المعاشي عن الذنوب و حاول أن يصلح نفسه فلما يستطيع في البداية.

٢) المسلمين يؤمنون بالمعروف و ينهون عن المنكر و يصرون على المشاكل والسدائد.

٣) لا تستشير الكاذب فإنه كالتراب يُقْرَبُ إلىك البعيد و يُبعَدُ عنك القريب.

٤) قال الكاذب نادماً: تعلمت درسأً لن أنساه أبداً.

٥) عين الخطأ عمّا أشیر إليه بخط:

١) وهذا تموذج آرتوبي ليهدي به كل السباب جمعه «نماذج» مفرد: «شاب»

٢) علينا أن نتوضّع أمام أصدقائنا و زملائنا و جيراننا متراضفة «وراء». مفرد: «جار»

٣) إن الله لا يحيط كُلَّ مُعْجِزٍ بتقسيمه متراضفة «مختال»

٤) كم سرع هذا القيميص الرجال؟ متراضفة «النسائي»

٥) عين الصحيح:

١) إن الله لا يغير ما يقوم حتى يغتروا ما بأنفسهم. تغيير نداء / تغيير كند

٢) لا ظلم كما لا تُحب أن ظلم. ستم نكن / مورد ستم واقع شوى

٣) لم يغروا بين أحد منهم أولئك سوف يُوتهم أجورهم، فرق نمى گذارند/خواهند داد

٤) بيع الثنبي ليهدي الناس. برانكيخت / تا هدایت شوند

٥) عين الصحيح في الترجمة:

١) لذا رأيت جاري عرقته على أبي: همسايه. شناخت

٢) ألقـت الكتب بجانبها وأـلقت مـحاضـرة: انـداـختـ اـفـكـندـ

٣) عـين الصـحـيـحـ فيـ معـنىـ ماـ تـحـتـهـ خطـ

٤) لـيـنـقـ ذـ سـعـةـ مـنـ سـعـةـ: بـاـيـ اـفـاقـ كـنـدـ

٥) ليـ شـهـادـةـ فيـ قـرـعـ المـاكـاتـبـ: دـاشـتـمـ

٦) عـين الصـحـيـحـ عـلـىـ التـرـتـيبـ:

١) أـرـيدـ أـنـ أـدـهـبـ إـلـىـ سـوقـ الحـقـائبـ: جـمـعـهـ: سـوقـ / مـفـرـدـ: حـقـيبةـ

٢) لـاتـعـنـ إـنـ اللهـ مـعـناـ: (جـمـعـهـ: سـوقـ / مـفـرـدـ: اـفـرـخـ)

٣) أـفـلـمـ يـنـظـرـاـ إـلـىـ السـمـاءـ كـيـ بـيـتـنـاـهاـ: (مـعـناـهـماـ: نـگـاهـ نـمـيـ كـرـدـنـدـ. آـنـ رـاسـخـتـيـمـ)

٤) هـدـفـ شـمـيلـ الـأـعـلـىـ مـذـ جـسـورـ التـفـاهـمـ بـيـنـ الـبـلـادـ: (مـعـناـهـ: اـدـامـهـ، مـفـرـدـ: جـسـرـ)

٥) عـين الصـحـيـحـ فـيـ التـرـجـمـةـ عـلـىـ التـرـتـيبـ: «الـلـهـ الـذـيـ أـطـعـمـ الـذـيـ آـمـنـواـ مـنـ جـوعـ وـ آـنـثـمـ مـنـ خـوفـ»

٦) خـورـاـكـ دـادـ. اـيمـانـ آـورـدـنـدـ. گـرـسـنـگـيـ، اـيمـانـ كـردـ

٧) غـذاـ دـادـ. اـيمـانـ بـياـورـدـيـدـ. گـرـسـنـگـيـ، اـيمـانـ كـردـ

١) الله القـمـدـ ... وـ لمـ يـكـنـ لهـ كـفـواـ أـحـدـ: بـيـ نـيـازـ، بـيـ هـمـتاـ

٢) مـنـ طـلـبـ شـيـناـ وـ جـدـ وـ وجـدـ: تـلاـشـ كـنـدـ، مـيـ بـاـيـدـ

٣) المؤمنون يـعـتـمـدـواـ عـلـىـ اللهـ فـيـ جـمـيعـ الـأـحـوـالـ: بـراـيـ اـيـنـ كـنـدـ.

٤) اـمـتنـعـ الـرـجـلـ عـنـ الـمـاعـصـيـ لـوـفـاءـ بـعـهـدـهـ. تـاـ وـفاـ كـنـدـ.

١) أـرـيدـ أـنـ أـدـهـبـ إـلـىـ سـوقـ الحـقـائبـ: (جـمـعـهـ: سـوقـ / مـفـرـدـ: حـقـيبةـ)

٢) لـاتـعـنـ إـنـ اللهـ مـعـناـ: (جـمـعـهـ: سـوقـ / مـفـرـدـ: اـفـرـخـ)

٣) أـفـلـمـ يـنـظـرـاـ إـلـىـ السـمـاءـ كـيـ بـيـتـنـاـهاـ: (مـعـناـهـماـ: نـگـاهـ نـمـيـ كـرـدـنـدـ. آـنـ رـاسـخـتـيـمـ)

٤) هـدـفـ شـمـيلـ الـأـعـلـىـ مـذـ جـسـورـ التـفـاهـمـ بـيـنـ الـبـلـادـ: (مـعـناـهـ: اـدـامـهـ، مـفـرـدـ: جـسـرـ)

٥) عـين الصـحـيـحـ فـيـ التـرـجـمـةـ عـلـىـ التـرـتـيبـ: «الـلـهـ الـذـيـ أـطـعـمـ الـذـيـ آـمـنـواـ مـنـ جـوعـ وـ آـنـثـمـ مـنـ خـوفـ»

٦) اـطـعامـ كـرـدـ، اـيمـانـ آـورـدـنـدـ، تـشـنـگـيـ، اـيمـانـ آـورـدـ

٧) سـيرـ كـرـدـ، اـيمـانـ آـورـدـنـدـ، تـرـسـ، اـيمـانـ آـورـدـ

## ١٤١١. عَيْنُ الصَّحِيحِ لِتَكْمِيلِ الْفَرَاغَاتِ:

١ مِنْ اللَّهِ إِلَّا تَيْأَسَ أَعْلَمُ بِرَانِي دَائِمًاً (إِلَيْأَسْنَ)

٢ مَعَ اللَّهِ إِلَّا هُوَ أَخْرَى (لَا تَجْعَلْ)

٣ عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: «مِنْ أَهْمَّ وَاجِبَاتِ الْحُكُومَةِ الْرَّوَابِطُ الْإِقْصَادِيَّةُ مَعَ الدُّولِ الْأُخْرَى!»

٤ أَنْقَادُ ٥ مَدُّ ٦ تَأكِيدُ ٧ بَعْدَ أَنْ قَهُومَا حَقِيقَةَ دِينِ إِسْلَامِ!

٨ إِسْتَأْمُوا ٩ سَلَّمُوا ١٠ أَسْلَمُوا ١١ أَسْتَأْمُوا

١٢ أَثَارَ - أَشَارَ ١٣ أَشَارَ - أَثَارَ ١٤ أَوْصَى - أَلْقَى ١٥ أَنْتَصَرَ - أَنْتَصَرَ ١٦ عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: «بَدَا مُوَاطِنٌ يَتَكَلَّمُ عَنْ مَشَاكِلِ الْمَدِينَةِ، ثُمَّ أَثْنَاءَ مُحَاضَرَتِهِ إِلَى تَلَوُّثِ الْمَيَاهِ وَلَكِنْ كَالَّمَهُ غَضَبَ الْمُحَافَظِ!»

١٧ الْحُصُورُ لِلْإِشْتِيَامِ إِلَى كَلَامِ سَخْصِنِ! ١٨ تَكَلَّمُ خَطِيبٌ أَمَامُ جَمَاعَةٍ فِي مَجَالٍ خَاصٍ!

١٩ عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: «الْمُحَاضَرَةُ هِيَ!»

٢٠ إِلِسْتَمَاعُ إِلَى كَلَامِ الْحَاطِبِ!

٢١ إِلِسْتِعْدَادُ لِلْإِجَاجَةِ عَنْ أَسْئَلَةِ الْمُسْتَعْدِعِينَ!

٢٢ عَيْنُ الْخَطَا فِي الْمَفْهُومِ:

١٣ خَيْرُ الْأَمْرُ أَوْسَطُهُ! لَا تَرِي الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرِطًا أَوْ مُفْرِطًا!

١٤ لَمْ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْلَمُونَ: العِبْرَةُ بِالْأَعْفَالِ وَلِتَسْتَثِنْ بِالْأَعْوَالِ!

١٥ الْدَّهْرُ يَوْمَانِ: يَوْمُ لَكَ وَيَوْمُ عَلَيْكَ! جَنِينَ اسْتَكَارَ دَرَجَاتِهِ دَهْرًا / كَهْيَ نُوشَ بَارَ آورَدَ گَاهَ زَهْرَ

١٦ الْمُؤْمِنُ قَلِيلُ الْكَلَامِ كَثِيرُ الْعَمَلِ! مَنْ بَىْ تَأْمُلَ بِهِ كَهْتَارَ دَمَ / نَكُوْ گُويَ وَغَرْ دِيرَ گُويَ چَهَ غَمَ

١٧ عَيْنُ الْخَطَا حَسْبَ التَّوْضِيَحَاتِ:

١٨ الْرَّمِيلُ هُوَ الْمُتَعَلَّمُ الَّذِي يَقُومُ بِالدِّرْسَةِ مَعَكَ فِي الْمَدِرْسَةِ!

١٩ تَسْسَى مَظَاهِرُ التَّنَدُّمِ فِي مَيَادِينِ الْعِلْمِ وَالصَّنَاعَةِ الْمُحَاضَرَةِ!

٢٠ عَيْنُ الْخَطَا فِي الْمَفْهُومِ:

١٢ يَوْمُ لَنَا وَيَوْمُ عَلَيْنَا: تَا كَيْ غَمَ نَارِسِيدَهَ خَورَدَنَ!

١٣ أَمْرَنِي رَبِّي بِمَدَارِهِ التَّاسِ: دَرِ كِجَعْ مَعِيشَتَ سَازَ گَارِي اسْتَ!

١٤ ۲۱۹. «قُلِ الْحَقُّ وَإِنْ كَانَ مُرَّ». مَفْهُومُ الْعَبَارَةِ

١٥ تَحْمِلُ سَخْتَهَا.

١٦ عَيْنُ الْخَطَا:

١٧ عَدَاؤُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ: إِيَاكَ وَمُصَادِقَةُ الْأَحْمَقِ.

١٨ خَيْرُ الْأَمْرُ أَوْسَطُهُ: وَاقْصُدُ فِي مَشِيكَ.

١٩ الْدَّهْرُ يَوْمَانِ يَوْمُ لَكَ وَيَوْمُ عَلَيْكَ: روزَ وَصلَ دُوستَدارَانِ يَادَ بَادَ / يَادَ بَادَ آنَ روزَ گَارَانِ يَادَ بَادَ

٢٠ أَمْرَنِي رَبِّي بِمَدَارِهِ التَّاسِ كَمَا أَمْرَنِي بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ: آسَايِشَ دُو گَيْتِي تَفَسِيرَ اينَ دُو حَرْفَ اسْتَ / با دُوستَانِ مَرَوتَ با دَشْمَنَانِ مَدَارَا

٢١ عَيْنُ الْجَوَابِ الصَّحِيحِ: «هَلْ سَافَرْتَ حَتَّىَ الْآنِ؟»

١٢ لَا أَنَا لَمْ أَسَافِرْ فِي السِّيَنَتَيْنِ الْمَاضِيَيْنِ.

١٣ نَعَمْ، أَسَافِرْ فِي السِّنَنِ الْقَادِمَةِ.

٢٢ عَيْنُ مَا يَنْسَابُ فِي الْمَفْهُومِ: «لَا تَظْلِمْ كَمَا لَا تُحْبِبُ أَنْ تُظْلَمْ.»

١٢ هَرَ آنَ چِيزَ كَانَتْ نِيَايدَ پِسَندَ / تَنْ دُوستَ وَدَشْمَنَ بَرَ آنَ درَ مِبَندَ

٢٣ حُسْنَتْ بِهِ اِنْفَاقَ مَلَاحَتْ جَهَانَ گَرفَتْ / آرَى بِهِ اِنْفَاقَ جَهَانَ مَيْ تَوانَ گَرفَتْ

٢٤ عَيْنُ الْمَنَاسِبِ حَسْبَ الْمَوْضَعِ:

١٢ مَنْ سَاتَرَ عَيْنَكَ فَهُوَ عَدُوكَ: تَأْثِيرُ دُوستَ درَ پُوشِيدَنِ عَيْوبَ اِنْسَانَ

١٣ إِنْ لِلشَّاعِي فِي الْخَيْرِ مَكَانَهُ عَنَّ النَّاسِ: جَايِگَاهَ اَفَرَادَ خَيْرَ

٢٥ عَيْنُ الصَّحِيحِ حَسْبَ الْوَاقِعِ:

١٢ الْمَتَوَكِّلُ عَلَى اللَّهِ قَادِرُ عَلَى هَزِيمَةِ الْعَصَبَوَيَاتِ وَلَوْ كَانَ فَقِيرًا أَوْ مَرِيضًا.

١٣ اِرْفَاقُ حَرَارَةِ الْجَسَمِ مِنْ عَلَائِمِ كُلِّ الْأَمْرَاضِ.

٢٦ أَجَبَ عَنِ الْأَسْتَلَةِ حَسْبَ هَذِهِ الْعَبَارَةِ:

٢٧ هَلْ تَعْلَمُ مِنْ كَانَ فَنِيلِسُوفَاً وَمَسْتَشِرِقاً فَرْنِسِيَاً ١٤٢٥ ..... درَاسَةِ إِسْلَامِ وَأَشْهَرُ أَدِيبٌ تَرَكَ إِرَثًا ١٤٢٦ ..... عَظِيمًا لِلْمَكْتَبَةِ الْعَالَمِيَّةِ وَبِمَنْ

٢٨ أَعْطَيْتَ شَهَادَةَ تَقْدِيرًا ١٤٢٧ ..... فِي مَجَالِ مَعِينَ؟

٢٩ ١٤٢٥

٣٠ ١٤٢٦



١٤٣٩. عين لا النهاية:

١ لا تُصْعِرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ.

٢ عَلَيْنَا أَنْ لَا تَرْقَعْ صُوْتَنَا فَوْقَ صُوْتِ الْمُخَاطِبِ.

٣ كُمْ فَعْلًا مَعْنَاهُ مِنْهُ: «أَمَا غَلَمْتَ أَنَّ اللَّهَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ لَمْ يَسْأَلُهُ أَحَدٌ إِلَّا اسْتَجَابَهُ وَلَنْ يَئُسَّ إِلَيْهِ إِذَا دَعَا».

٤ أَثَانٌ ثَلَاثَةٌ أَرْبَعَةٌ خَمْسَةٌ

١٤٤٠. عين الصحيح للفrage في هذه العبارات:

١ أنا أَقْرَبَيَّ فِي الْأَسْبُوعِ الْمَاضِيِّ. (لَنْ يُطْعَمَ)

٢ مَنْ اللَّهُ يَسْتَحِبُّ لَهُ، (يَشَأُ)

٣ عين غير المناسب لتكميل الفrage:

١ الصَّدُقُ مَعَ النَّاسِ هُوَ أَنْ لَا ..... عَلَى الْآخِرِينَ: (نَكْذِبُ)

٢ يَسْتَرِيحُ التَّسَاءُخُ عَلَى الشَّاطِيءِ لِ..... أَسْنَاهُ: (تَنْطَفِ)

٣ عين العبارة التي لها معنى المضارع:

١ التَّسَاءُعُ مَمْ يَقْصُرُنَ فِي الْمُسَاعِدَةِ الْفَقَرَاءِ.

٢ الْمُتَكَاسِلَانَ لَا يَوَاصِلُنَ هَذَا الطَّرِيقَ الْمُضَعِّبَ.

٣ عين الفعل المضارع لا يوجد تغيير في آخره:

١ مَنْ يُحَافَظُ عَلَى لِسَانِهِ يَسْلِمُ النَّاسَ مِنْ شَرِّهِ.

٢ لَمْ يُخَاطِبُنَا أَسْتَادُنَا وَلَمْ تَسْأَلْنَا شَيْئًا.

٣ عين حرف اللام يختلف عن الباقي:

١ يَعْلَمُ إِنْسَانٌ أَنَّ الْعُقْلَ التَّلِيمَ مَصْلَحٌ لِكُلِّ الْأُمُورِ!

٢ لِأَجْعَلِ الْجَهَدَ نَصْبَ عَيْنِي حَتَّى أَصْلِ إِلَى هَدْفِيِّ!

٣ عين ما ليس فيه فعل بمعنى المضارع الإنزامي أو الأمر:

١ هَذَا الدَّرْسُ صَعْبٌ، لِيُسَاعِدَكَ أَخْوَكَ!

٢ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ عَجَائِبُ كَثِيرَةٌ لِتَنْتَهِيَ إِلَيْهَا إِنْسَانٌ!

٣ عين اللام يدل على الأمر:

١ لِيَكْرَمَ كُلُّ مِنَ الْعُلَمَاءِ الْكَبَارِ فِي الْمُجَمَّعِ!

٢ هُوَ يَعْمَلُ كَثِيرًا لِتَوْفِيرِ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ فِي الْبَيْتِ!

٣ عين فعلاً لا يدل على النبي:

١ لَمْ تَصْعِدِ الْغَرَالَةُ الْجَبَلَ الْمُرْتَفَعَ.

٢ لَا تَعْرِفُنَ مَا يُوْجَدُ وَرَاءَ تَلَكَ الْجَبَلِ.

٣ عين العبارة التي يمكن أن يكون لها معنى المضارع:

١ تَرَيَنَ الطَّالِبَ بِالْأَخْلَاقِ الْحَسَنَةِ.

٢ إِنْ قَرَأْتَ الدَّرْوِسَ بِدَقَّةٍ انتَفَعْتَ بِهَا!

٣ عين لا يوجد في هذه العبارة: «قَلْيُوتَكَلِّ المُؤْمِنُ عَلَى اللَّهِ».

١ لَام امر المضارع له حروف زائدة

٢ المضارع له حروف زائدة

٣ عين الخطأ عن المفردات في هذه العبارة: «عَلَيْنَا أَنْ لَا تَتَكَبَّرَ عَلَى الْآخِرِينَ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُتَكَبِّرِينَ».

٤ عين تتكبّر المضارع مصدره على وزن «تفقل» تغيير ظاهره بسبب «أن»

١ يُحِبُّ المضارع، تغيير ظاهره بسبب «أن»

٢ اللَّهُ الاسم، المعرفة، اسم العالم

٣ عين الخطأ في العبارة التالية: «لَا تَجْتَمِعُ خَلْصَلَتَانِ فِي عِبَادِ اللَّهِ الْبُخْلُ وَالْكَذْبُ».

٤ لا حرف التقى

١ عين ما فيه فعل يدل على المضارع الإنزامي:

٢ المسلمين ليعاجهم حقائق الحياة المرة بالتفاؤل!

٣ يا بنائي: كلّ من الفائزات في المسابقة لنفهم سرّ نجاحهنّ!

٤ عين «اللام» يختلف من حيث المعنى عن الباقي:

١ لِتَعْلَمَ لَا يَمْكُنُ التَّبَاحُ دُونَ الْإِجْتِهَادِ.

٢ لِتَسْتَمِعَ إِلَى كَلَامِ الْحَقِّ.

٣ عين حرف اللام لا يدل على معنى الأمر:

١ أَشْرَعَ أَصْحَابَهُ إِلَيْهِ لِيُنْقَذُوهُ.

٢ هُوَلَاءُ التَّلَمِيدُ لِيُرْجِعُوهُ إِلَى السَّاحَةِ.

٣ عين ما ليس حرف اللام فيه مقتواً:

١ إِذَا قَرَأَ الْمَعْلُمُ الْدَّرْسَ قَاسَتِمَعْ لَهُ.

٢ بعثكَ اللَّهُ وَهَبَ لَكَ حُكْمًا وَجَعْلَكَ مِنَ الْمُرْسِلِينَ.

- ١٤٥٨. عَيْنَ فَعْلًا يَدْلُلُ عَلَى الْأَمْرِ:** فليعبد الناس ربهم وليشركوه.

**١٤٥٩. الْيَوْمُ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ:** ليذكركم كُلُّ مَنْ مِنَ الْعَالَمِ الْكَبَارِ فِي الْجَمَعَةِ.

**١٤٦٠. عَيْنَ حَجَّاً مَعْنَاهُ يَعْدَلُ فَعْلُ لِمَ سَمِعَ؟** هو يَعْمَلُ كَثِيرًا لِأَكْتَسَابِ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ فِي الْبَيْتِ

**١٤٦١. فِي أَيِّ عَبَارَةِ مَاجَاءَتِ (لا) التَّاهِيَةُ:** لَيَذْهَبُ كُلُّ مَنْ تَشَمَّعَ لِنَشْمَعَ مَا سَمِعْنَا

**١٤٦٢. لَيَتَنْطَقُنَّ إِلَّا بِالْكَلَامِ الْمُفَيدِ!** لَيَتَنْطَقُنَّ إِلَّا بِالْكَلَامِ الْمُفَيدِ

**١٤٦٣. لَيَخْرُمُ نَسَكَكَ عَنِ الطَّيَّابَاتِ الَّتِي أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ!** عَيْنَ (لا) تَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِيِّ

**١٤٦٤. لَيَحْرَمُنَّ بِصُصِّيَّةٍ قَدْ وَصَلَّتْ إِلَيْكَ!** لَيَحْرَمُنَّ بِصُصِّيَّةٍ قَدْ وَصَلَّتْ إِلَيْكَ!

**١٤٦٥. عَيْنَ الْفَعْلِ مَاضِيًّا فِي الْمَعْنَى:** عَيْنَ حَرْفِ الْلَّامِ لَيَدْلُلُ عَلَى الْأَمْرِ

**١٤٦٦. مَنْ حَفَرَ بِنَارِ الْأَخِيَّهِ وَقَعَ فِيهِ!** بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ حَرَجَتِ الْعُصُوفُرَةُ مِنْ عُسْهَانِ لِتَطْبِقِ الرِّزْقِ!

**١٤٦٧. الْمُؤْمِنُونَ لَيَسْرُ كُوَّا أَخَدًا بِعِيَادَةِ رَبِّهِمْ!** نَرِيدُ أَنْ نَسْمَعَ كَلَامَ الْأَسْتَاذِ جَدًا لِفُلْجِيلِسِ فِي الْأَمَامِ!

**١٤٦٨. عَيْنَ حَرْفِ الْلَّامِ يَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِيِّ:** لَا يَكُمُ الْدَّرْسَاتِيِّ حَوْلَ هَذَا الْمَوْضُوعِ سَافِرُكُمْ إِلَى مَنَاطِقِ مُخْتَلِفَةِ!

**١٤٦٩. لَيَتَعَمَّدُ أَوْلَادُ وَطَيَّبَنَا عَلَى أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَصِلُوا إِلَى الْمَعَالِيِّ** عَيْنَ حَرْفِ الْلَّامِ يَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِيِّ

**١٤٧٠. عَيْنَ مَا فِيهِ يُنَاسِبُ الْفَعْلِ وَالرِّزْمَانِ:** يَهِي لَمْ شَافِرَ: (غَدًا)

**١٤٧١. أَنْصَحْ صَدِيقِي أَنْ يَكْتُبْ تَمَارِينَهُ: (فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَّةِ)** أَنْتَجَتِ الْشَّرْ فَهُوَ خَيْرُكَ: (إِنْ: مِنْ أَدَاءِ الشَّرْطِ / ف: مِنْ الْحَرْفِ الْجَازِّةِ)

**١٤٧٢. إِنْ تَجْتَبِ الْشَّرْ فَهُوَ خَيْرُكَ: (إِنْ: مِنْ أَدَاءِ الشَّرْطِ / ف: مِنْ الْحَرْفِ الْجَازِّةِ)** لَيَتَبَلَّغُوا الْمَجَدَ إِلَّا بِاللَّعْبِ: (لَنْ: حَرْفُ يَدْلُلُ عَلَى الْمُسْتَقْبِلِ الْمُنْفِي / بـ: مِنْ الْحَرْفِ الْجَازِّةِ)

**١٤٧٣. لَا تَبْيَعْ هَبَيَّةَ السَّكُوتِ بِالرَّخِيْصِ مِنَ الْكَلَامِ: (لَا: حَرْفُ التَّقْيَى / مِنْ: حَرْفُ الْجَرِّ)** لَاتَسْبِّوا النَّاسَ حَتَّى لَاتَسْبِّوكُمْ: (لَا: حَرْفُ نَهِيٍّ / لَا: حَرْفُ نَهِيٍّ)

**١٤٧٤. عَيْنَ الْفَعْلِ الْمُضَارِعِ يَدْلُلُ عَلَى الْمَاضِيِّ:** إِنْ تَأْخُرَتِ الْمَسَارِعُ فَهُوَ خَيْرُكَ. لَمْ يُصْنَعْ مُلْكًا عَلَى جَهَلٍ وَإِلَلَيْلِ. لَنْ نُسَافِرَ فِي السَّنَةِ الْقَادِمَةِ.

**١٤٧٥. فِي أَيِّ عَبَارَةِ لَيْسَ فَعْلٌ يَدْلُلُ عَلَى الْمَاضِيِّ:** أَنْتَجَتِ الْشَّرْ فَهُوَ خَيْرُكَ: (إِنْ: مِنْ أَدَاءِ الشَّرْطِ / ف: مِنْ الْحَرْفِ الْجَازِّةِ)

**١٤٧٦. لَمْ يَسْمَحْ لِي أَنْ أَدْخُلَ الْمَدْرَسَةَ** عَيْنَ الْفَعْلِ الْمُضَارِعِ لِتَسْتَقِيقَ مِنْ نَوْمِ الْغَفْلَةِ.

**١٤٧٧. لَا أَفْلِكُ لِنَفْسِي نَفَاعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ.** «مَنْ لَا يُكَرِّمْ نَفْسَهُ لَا يُكَرِّمْ» عَيْنَ الصَّحِيحِ عَنْ نَوْعِ (لا):

**١٤٧٨. الْتَّهْيَى - التَّنْهِيُّ** التَّهْيَى - التَّنْهِيُّ

**١٤٧٩. عَيْنَ نَوْعِ الْلَّامِ يَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِيِّ:** لِنَجَارِبِ الْأَفْكَارِ الشَّيْئَةَ حَتَّى تَسْبِّسَ لَنَا الْحَيَاةِ.

**١٤٨٠. الْأَمْمُ الْمُسْلِمَةُ لِتَسْتَقِيقَ مِنْ نَوْمِ الْغَفْلَةِ.** لِنَجَارِبِ الْأَفْكَارِ الشَّيْئَةَ حَتَّى تَسْبِّسَ لَنَا الْحَيَاةِ.

**١٤٨١. عَيْنَ يُمْكِنُ أَنْ تَكُونَ التَّاهِيَةُ وَالتَّافِيَةُ:** لَاتَرْجِعِنَا لِاتَّسْحِنَوْنَا

**١٤٨٢. عَيْنَ مَا لَيْسَ فِيهِ لَامُ الْأَمْرِ:** قَلْيَقْمُ كُلُّ إِنْسَانٍ بِوَاجِهِهِ حَتَّى يَسْتَطِعَ أَنْ يَعِيشَ فِي عَالَمٍ مِثَالِيٍّ.

**١٤٨٣. قَلْيَقْمُ كُلُّ إِنْسَانٍ بِوَاجِهِهِ حَتَّى يَسْتَطِعَ أَنْ يَعِيشَ فِي عَالَمٍ مِثَالِيٍّ.** قَلْيَقْمُ كُلُّ إِنْسَانٍ بِوَاجِهِهِ حَتَّى يَسْتَطِعَ أَنْ يَعِيشَ فِي عَالَمٍ مِثَالِيٍّ.

**١٤٨٤. عَيْنَ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرْكَاتِ الْكَلَمَاتِ.** أَلَّا تُحْتَوْنَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ ذُنُوبَكُمْ.

## ترجمه

**پیاده‌وری** مراحل پاسخگویی به سوال‌های ترجمه را به یاد داشته باشید:

۱- یافتن موارد کلیدی ۲- رد گزینه‌ها براساس موارد کلیدی (حداقل ۲ گزینه) ۳- مقایسه گزینه‌های باقی‌مانده با صورت سؤال

### ترجمه‌های عارف:

۱۴۷۵. «کُنْثُ مَنْدُ طَفُولِي مُشْتَاقَةً إِلَى كُلٍّ مَا يَرْتَبِطُ بِالشَّرْقِ وَ مُعْجَبَةً بِإِيْرَانِ.»

۱ از زمان کودکی خواهان هر چیزی بودم که با شرق در ارتباط بود و شیفتۀ ایران گردیدم.

۲ از هنگام کودکی ام مشتاق به هرجیزی بودم که به شرق در ارتباط داشت و شیفتۀ ایران بودم.

۳ از هنگام کودکی ام خواهان همه چیزهایی بودم که با شرق در ارتباط است و شیفتۀ ایران شدم.

۴ از همان زمان کوچکی ام خواهان چیزهایی مرتبه باشرق گردیده بودم همچین عاشق ایران بودم.

۱۴۷۶. «بِدَأْ بِدِرَاسَاتِهِ فِي التَّاسِعَةِ عَشَرَةِ مِنْ عَمْرِهِ وَ دَرَسَ كَذَلِكَ مَا يُقَارِبُ خَمْسَةً وَ عَشْرِينَ عَامًا فِي جَامِعَةِ هَارْفَارَدِ.»

۱ در ۲۹ سالگی پژوهش‌هایش را آغاز کرد و همچنین نزدیک به بیست و پنج سال در دانشگاه هاروارد درس خواند.

۲ سال مشغول تحقیقاتش شد و نزدیک به پنجاه و دو سال در دانشگاه هاروارد درس خواند.

۳ در ۱۹ سالگی تحقیقاتش را شروع کرد و قریب به پنجاه و دو سال در دانشگاه هاروارد درس خواند است.

۴ در ۱۹ سالگی پژوهش‌هایش را آغاز کرد و همچنین نزدیک به بیست و پنج سال در دانشگاه هاروارد درس داد.

۱۴۷۷. «قَدْ شَكَلَ الْبَاحِثُونَ فَرِيقًا لِلْحَوَارِ الدِّينِيِّ وَ النَّقْفَافِيِّ وَ كَانَ هُدُوفُهُمُ الْأَعْلَى مَدْ جَسُورَ الصِّدَاقَةِ وَ التَّقَافِهِ بَيْنَ الْبَلَادِ.»

۱ پژوهشگران گروههایی را برای گفت و گوی دینی و فرهنگی تشکیل داده بودند که هدف والا آنها گسترش پلهای صداقت و تفاهم بین سرزمین‌ها بود.

۲ گاهی محققان گروهی را برای گفت و گوی دینی و فرهنگی تشکیل می‌دهند و والترین هدفشان گسترش پلهای دوستی و تفاهم بین کشورها بود.

۳ پژوهشگران گروهی را برای گفت و گوی دینی و فرهنگی تشکیل داده‌اند و هدف والا یشان گسترش پلهای صداقت و تفاهم بین کشورها بود.

۴ گروهی از پژوهشگران در زمینه گفت و گوی دینی و فرهنگی تشکیل شده است و هدف برتر آنها گسترش پلهای دوستی و تفاهم بین ملت‌هاست.

۱۴۷۸. «ابْدَأْتُ الْامْتَحَانَاتَ فَلَنَّقُلُمْ أَنَّهَا سَاعَدُ الْطَّلَابَ لِتَلْعُمَ دَرْوِسَهُمْ وَ عَلَيْهِمْ أَنْ لَا يَخَافُوْهُنَّا.»

۱ امتحانات را شروع کرد، پس باید بدانیم که به دانش‌آموزان برای یادگیری دروسشان کمک می‌کند و نباید از آن بترسند.

۲ آزمون‌ها شروع شد، برای این که بدانیم که آن برای آزموزش درس‌ها به دانش‌آموزان کمک می‌کند و باید که از آن نترسند.

۳ امتحان‌ها شروع شد، پس باید بدانیم که آن به دانش‌آموزان برای یادگرفتن درس‌هایشان کمک می‌کند و نباید از آن بترسند.

۴ آزمون را شروع کرد تا بدانیم که به دانش‌آموزان برای یادداهن درس‌هایشان کمک می‌کند و باید که از آن نترسند

۱۴۷۹. «أَوْلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَسْطِعُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ.»

۱ آیا ندانسته‌اند که خداوند برای هر کس بخواهد، روزی را می‌گستراند؟

۲ آیا نمی‌دانند که خداوند روزی را برای کسی که می‌خواهد، فراوان می‌کند؟

۳ آیا نخواهند دانست که خداوند برای هر کس که بخواهد روزی فراوان می‌گرداند؟

۴ آیا ندانسته‌اید همانا پروردگار روزی را برای آنان که می‌خواهد، گسترانید؟

۱۴۸۰. «فَلَيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جَوَعٍ وَ آتَنَاهُمْ مِنْ حَوَافٍِ.»

۱ پس پروردگار این خانه را می‌پرسند که در گرسنگی غذایشان داد و از ترس امان داد.

۲ پس پروردگار این خانه را که آنان را غذا داد و از دشمن حفظشان کرد، عبادت می‌کنند.

۳ پس برای این، خداوند این خانه را می‌ستاند که در گرسنگی غذا داده شدند و از دشمن امان داده شدند.

۴ پس باید پروردگار این خانه را پرسند کسی که در گرسنگی خوارکشان داد و از بیم (دشمن) ایمنشان کرد.

۱۴۸۱. «قَدْ أَشَارَ فِي مَقْبَلَتِهِ فِي الْأُسْبُوعِ الْمَاضِي بِأَنَّهُ يُحِبُّ أَنْ يَحْصُلَ عَلَى شَهَادَةِ الدَّكْتُورَاهِ مِنْ إِحْدَى جَامِعَاتِ الدُّولِ الْإِسْلَامِيَّةِ.» در مصاحبه اش .....

۱ هفته گذشته اشاره کرده است به این که او دوست دارد به مدرک دکترا از یک دانشگاه‌های کشورهای اسلامی دست یابد.

۲ در هفته گذشته اشاره کرده است به این که او می‌خواهد به مدرک دکترا از دانشگاه‌های دولت‌های اسلامی دست یابد.

۳ در هفته گذشته اشاره کرده است به این که او دوست دارد دکترای افتخاری از یک دانشگاه‌های دولت اسلامی را به دست آورد.

۴ هفته گذشته اشاره شده است به این که او دوست دارد دکترای افتخاری از یک دانشگاه‌های دولت اسلامی را به دست آورد.

۱۴۸۲. «هَذِهِ الْمَرْأَةُ عَالَمَةٌ مِنْ أَشْهَرِ الْمُسْتَشِرِيَّينَ كَانَتْ تُلْقِي مُحَاضَرَاتٍ بِالْلُّغَةِ الْفَارَسِيَّةِ وَ تَدْعُو الْعَالَمِينَ لِفَهْمِ الْحَقَائِقِ الدِّينِيَّةِ.»

۱ این زن دانشمند از خاورشناسان مشهور است به زبان فارسی سخنرانی‌هایی می‌کرد و جهان را به درک حقایق دینی دعوت می‌کرد.

۲ این زن دانا از مشهورترین خاورشناسان است سخنرانی‌هایی به زبان فارسی می‌کند و دانشمندان را به فهم حقیقت دین دعوت می‌کند.

۳ این زن دانشمندی از مشهورترین خاورشناسان است به زبان فارسی سخنرانی‌هایی می‌کرد و جهانیان را به فهم حقایق دینی دعوت می‌کرد.

۴ این زن دانا از مشهورترین خاورشناسانی است به زبان فارسی سخنرانی‌هایی کرده بود و جهانیان را به درک حقایق دینی دعوت کرده بود.

۱۴۸۳. «رُرُتْ صَدِيقِيَ الَّتِي لَمْ تُشْفَ مِنْ مَرْضَهَا، ثُمَّ خَرَجَتْ سَرِيعًا لِتَسْتَرِيحَ». ۱

۱ دوستی را که مریضی او معالجه نشده بود زیارت کرد و بعد از رفتن من استراحت کرد.

۲ رفیق را که از مرض خود شفا نیافته بود ملاقات کرد و برای راحتی او شتابان خارج شدم.

۳ دوستم را که از بیماری بهبودی نیافته بود ملاقات کردم سپس فوراً پرورون رفتم تا استراحت کند.

۴ از دوستم دیدن کردم، همان که از بیماری شفا نیافته است سپس سریعاً برای استراحت خارج شدم.

۱۴۸۴. «عَاهَدَنِي عَلَى أَنْ لَا يَكُذِّبَ فِي حَيَاتِهِ لِأَنَّهُ أَصَبَّ بِالْكَذْبِ بِصَعْوَبَاتٍ كَثِيرَةٍ لِنَيْسَاهَا أَبْدَاً». ۱

۱ به من تعهد داد که در زندگانی دروغ به مشکلات بسیار دچار شده که هیچ وقت آن را فراموش نکرده است.

۲ به من تعهد داد که در زندگی اش دروغ نگوید؛ زیرا با دروغگویی به سختی‌های زیادی دچار شده که هرگز آنها را فراموش نخواهد کرد.

۳ به من تعهد بدی که در زندگی اش دروغ نگوید؛ زیرا با دروغگویی به سختی‌های زیادی دچار شده که هرگز آنها را فراموش نمی‌کند.

۴ به من تعهد بدی که در زندگی اش دروغ نمی‌گوید؛ زیرا با دروغ به مشکلات بسیاری دچار شده که هیچ وقت آن را فراموش نخواهد کرد.

۱۴۸۵. «فِي الْحَصَّةِ الْثَالِثِ سَأَلَتِ الْمُدْرِسَةُ الْتِلْمِيذَةَ الَّتِي تَجَلَّسَ آخِرَ الصِّفَّ عَنِ الْعَمَلَيَاتِ الْحَسَابِيَّةِ وَلَكُنَّهَا لَمْ تَسْتَطِعْ أَنْ تُجِيبَ». ۱

۱ زنگ سوم، معلم از دانشآموزی که ته کلاس می‌نشیند در مورد عملیات ریاضی سؤال کرد؛ ولی او نمی‌تواند پاسخ دهد.

۲ سومین زنگ، معلم از دانشآموزی که آخر صفت می‌نشست در مورد عملیات ریاضی سؤال می‌کند؛ ولی او نتوانست پاسخ دهد.

۳ زنگ سوم، معلم از دانشآموزی که در کلاس دیگر می‌نشست در مورد عملیات ریاضی سؤال کرد؛ ولی او نمی‌تواند جواب دهد.

۴ زنگ سوم، معلم از دانشآموزی که انتهای کلاس می‌نشست در مورد عملیات ریاضی سؤال کرد؛ ولی او نتوانست پاسخ دهد.

۱۴۸۶. «لَتَعْلَمُ أَنَّ الْإِهْتَمَامَ بِالرِّيَاضَةِ وَأَكْلِ الطَّعَامِ الْمُفَيْدِ مِنْ عَوَامِلٍ تُسْبِبُ سَلَامَةَ الْجَسْمِ». ۱

۱ باید بدانیم که توجه به ورزش و خوردن غذا مفید از عواملی هستند که باعث سلامتی بدن می‌شود.

۲ برای این که بدانیم که اهمیت دادن به ورزش و خوردن غذاهای مفید از عوامل سلامتی جسم است.

۳ باید بدانیم اگر به ورزش توجه کنیم و غذای سودمند بخوریم این عوامل باعث سلامتی جسم می‌شوند.

۴ تا بدانیم که توجه به ورزش و خوردن غذای سودمند عاملی است که سبب سلامت جسم می‌شود.

۱۴۸۷. «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ لَا يَقْنُطُ وَيَجْتَهِدُ حَتَّى يَصِلَ إِلَى أَهْدَافِهِ». ۱

۱ آیا نمی‌دانند کسی که بر خدا توکل کند نالمید نمی‌شود و تلاش می‌کند تا به اهدافش برسد.

۲ آیا ندانستند کسی که بر خدا توکل می‌کند، او نالمید نمی‌گردد و تلاش خواهد کرد تا به هدف خود برسد.

۳ آیا نمی‌دانند که هر کس بر خدا توکل کرد، او نالمید نشد، پس او تلاش می‌کند تا به اهدافش برسد.

۴ آیا ندانستند که هر کس بر خدا توکل کند، او نالمید نمی‌شود و تلاش می‌کند تا به اهدافش برسد.

۱۴۸۸. «الاتَّرُوكُوا شَيْئاً مِنْ أَمْرِ دِينِكُمْ لِإِصْلَاحِ دِينِكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ يَفْتَحُ عَلَيْكُمْ مَا هُوَ أَضَرُّ مِنْهُ!» ۱

۱ نباید دین را به خاطر اصلاح دنیای خود ترک کرد؛ زیرا باب آنچه که از آن کمتر ضرر بخشن تر است بر شما باز می‌شود!

۲ آنچه از امور دینی است برای اصلاح دنیا باید نماید؛ زیرا خداوند رها شود؛ زیرا نیازی نیست که از آن زیان بارتر است!

۳ چیزی از امر دینتان را به خاطر اصلاح دنیای خود ترک مکنید، که خدا آنچه را که ضرر رش از آن بیشتر است بر شما می‌گشاید!

۴ امری از امور دینتان را به خاطر امور دنیا رها مکنید؛ زیرا چیزهایی به شما روی می‌آورند که زیان آنها بیشتر است!

۱۴۸۹. «لَا تَنْظُرْ إِلَى صِغْرِ هَذِهِ التَّمْلِهِ الصَّغِيرَةِ، فَهِيَ صَانِعَةُ كَبِيرَةٍ وَمَهْنَدِسَةُ حَادِقَةٍ فِي بَطْنِ الْأَرْضِ!» ۱

۱ به کوچکی این مور کوچک نگاه مکن، چه او در دل زمین سازنده‌ای بزرگ و مهندسی ماهر است!

۲ به خردی این مورچه خرد نظر می‌فکر، زیرا او صانع بزرگ و مهندس پر قدرت اعماق زمین است!

۳ این مورچه را کوچک میندار، زیرا او سازنده‌ای بزرگ و مهندسی حاذق است در اعماق زمین!

۴ خردی مور کوچک را منگر، چه او در اعماق زمین یک صانع بزرگ است و یک مهندس توانا!

۱۴۹۰. «قَدْ هَيَّا الطَّلَابُ أَنفُسَهُمْ لِامْتَحَانِ نَهَايَةِ السَّنَةِ وَقَامُوا بِأَدَاءِ تَكَالِيفِهِمْ». ۱

۱ دانشجویان خویش را برای امتحانات پایان سال مهیا کرده بودند، لذا تکالیفی را انجام دادند.

۲ شاگردان برای مهیا کردن خویش برای امتحان پایان سال اقدام به انجام تکالیف خود کردند.

۳ دانشآموزان خودشان را برای امتحان پایان سال آماده کردند و به انجام تکالیف خود پرداختند.

۴ دانشآموزان برای آماده شدن خود به خاطر امتحانات پایان سال به ارادی تکالیف خود اقدام کردند.

۱۴۹۱. «الْمُسْلِمُونَ بَحْثُوا عَنِ الْعِلُومِ الْمُخْتَلِفَةِ وَأَخْذُوا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ أَفْضَلَ عِلُومَهُمْ وَحَصَلُوا عَلَى النَّتَائِجِ الْمُهْمَمَةِ ثُمَّ تَسْرُوهَا». مسلمانان ..... . ۱

۱ در مورد علوم مختلف بحث کردند و از همه ملت‌ها بهترین علوم آنها را گرفتند و به نتیجه مهمی دست یافته بودند سپس آنها را پراکنده کردند.

۲ به دنبال دانش‌های گوناگون گشتند و از هر امتی بهترین دانش‌هایشان را گرفتند و نتایج مهمی به دست آورده بودند سپس آنها را پخش کردند.

۳ به جستجوی علوم گوناگون پرداختند و از هر ملتی علوم بهتر را گرفتند و به نتیجه‌های مهمی رسیدند بعد آنها را گسترش دادند.

۴ دانش‌های مختلف را جستجو کردند و از هر امتی بهترین علوم را گرفتند و نتایج مهمی به دست آورده بودند سپس نشر می‌دهند.

۱۴۹۲. «کانتْ أُمّي تَصْنَعُ مِنَ الْأَقْمَشَةِ الْمُلْوَنَةِ مِلابسَ جَمِيلَةَ وَ تُجْهَزُهَا لِتَبَعِيهَا إِلَى الْمَتَاجِرِ.»

- ۱ مادرم از پارچه‌های رنگارنگ لباس‌های زیبایی درست می‌کرد و آن‌ها را آماده می‌کرد تا آن‌ها را به فروشگاه‌ها بفروشد.
- ۲ از پارچه‌هایی رنگارنگ، مادر من لباس‌های زیبایی درست می‌کند و آن‌ها را برا فروش به مقازه‌ها آماده می‌کند.
- ۳ مادری از پارچه‌های رنگارنگ لباس‌های قشنگ را درست کرده بود و آن‌ها برای فروش در فروشگاه آماده شدند.
- ۴ از پارچه‌هایی رنگارنگ، مادرم لباس‌هایی زیبایی درست می‌کرد و آن‌ها آماده می‌شدند تا به فروشگاه‌ها فروخته شوند.

۱۴۹۳. «تَأْثِيرُ الطَّلَابِ الْمُشَاغِبِ بِكَلَامِ مَعْلَمَهِ وَ غَيْرِ أَسْلُوبِ تَعْلِمَهِ، عَلَيْهِ أَنْ لَا يَخْفَى مِنَ الْامْتَحَانَاتِ وَلِيُعْلَمَ أَنَّهُ يَتَجَحَّ.»

- ۱ دانشجوی اخلاق‌گر از سخن معلمش تأثیر پذیرفت و شیوه آموزشش تغییر یافت، بر اوست که از امتحانات ترسد تا بداند که موفق می‌شود.
- ۲ دانشجویی انصباط تحت تأثیر سخن معلم خود قرار می‌گیرد و شیوه آموختنش را تغییر داد، لازم است که از امتحان ترسد و باید بداند که پیروز می‌گردد.
- ۳ دانش آموز اخلاق‌گر از سخن معلمش تأثیر پذیرفت و شیوه یادگیری‌اش را تغییر داد، واجب است که از امتحانات ترسد و باید بداند که موفق می‌شود.
- ۴ دانش آموز شلوغ تحت تأثیر سخن معلمش قرار گرفت و شیوه یادگیری‌اش تغییر کرد، باید که از امتحانات بترسد تا بفهمد که موفق می‌شود.

۱۴۹۴. «هَذِهِ الْأَسْمَاكُ تَسْتَهِمُ الْأَضْوَاءَ الْمُبْنَعِتَةَ مِنْ عَيْنِهَا يَجْذِبُ صَيْدِهَا إِسْغَدِيٌّ عَلَيْهِ.»

- ۱ نورهای فرستاده شده از چشم این ماهی‌ها برای جذب شکار خودشان به کار می‌رود تا تغذیه کنند.
- ۲ این ماهی‌ها نور فرستاده شده از چشمان خود را برای گرفتن صید به کار می‌گرفتند و باید از آن غذا بخورند.
- ۳ این‌ها ماهی‌هایی هستند که نورهای ارسالی از چشمان آن‌ها برای گرفتن شکارش به کار رفت تا از آن تغذیه کنند.
- ۴ این ماهی‌ها نورهای فرستاده شده از چشمان‌شان را برای جذب صید خود به کار می‌گیرند تا از آن تغذیه کنند.

۱۴۹۵. «كانتْ هَذِهِ الْبَنْتُ تَبْكِي لَتَّهَا شَعْرَتْ بِالْمَلِ شَدِيدٍ فِي رَجْلِهَا فَلَتَرَاعِي الطَّبِيبِ وَ لَا تَسْتَفِدُ مِنَ الْأَدوِيَةِ دُونَ وَصْفَةِ الطَّبِيبِ.»

- ۱ این دختر گریه می‌کرد زیرا احساس درد شدیدی در پاهایش کرد پس باید به پزشک مراجعه کند و نباید از داروها بدون نسخه پزشک استفاده کند.
- ۲ این خواهر گریه می‌کرد زیرا احساس در زیاد در پاهای خود کرد لذا باید به طبیب مراجعه کند و نباید از داروها بدون نسخه استفاده کند.
- ۳ این دختر گریه می‌کند زیرا احساس دردهای بسیاری در پایش کرد پس نباید نزد پزشک برود و این که از داروها بدون نسخه پزشک استفاده نکند.
- ۴ دختر گریه می‌کرد زیرا احساس درد زیادی در پاهایش کرد تا این که به پزشک مراجعه کند و از داروها بدون تجویز پزشک استفاده نکن.

۱۴۹۶. «فَقَالَ الْأَعْرَابُ؛ آمَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكُنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا». عرب‌های بادیه نشین گفتند:

- ۱ ایمان آوریم بگو ایمان نیاوردید، بلکه بگوئید: اسلام می‌آوریم!
- ۲ ایمان آوردیم بگو ایمان نیاورده‌ایم، بلکه بگوئید: اسلام آورده‌ایم!
- ۳ ایمان آوردیم بگو ایمان نیاورده‌ایم، بلکه بگوئید: اسلام آورده‌ایم!

۱۴۹۷. «أَرِيدُ أَنْ أَهْدِي صَدِيقِي هَذِهِ الْجَمِيلَةَ وَ لَكِنْ لَيْسَتْ عِنْدِي نُقُودٌ كَثِيرَةٌ فَلَأَصِيرُ حَتَّى آخُذَ رَاتِي فِي نِهَايَةِ الشَّهْرِ!»:

- ۱ می‌خواهم به دوست خود هدیه‌ای زیبا بدهم اما پول زیادی ندارم پس صبر می‌کنم تا در انتهای ماه حقوق خود را بگیرم!
- ۲ می‌خواستم به دوست خود هدیه‌ای زیبا بدهم اما پول زیادی پیشمند نبود پس باید تا آخر ماه صبر کنم تا حقوق خود را بگیرم!
- ۳ می‌خواهم برای دوست خود هدیه‌ای زیبایی بگیرم اما پول زیادی نداشتیم پس صبر می‌کنم تا در پایان ماه حقوق خود را بگیرم!
- ۴ می‌خواهم به دوست خود هدیه‌ای زیبا اهدایم اما پول زیادی ندارم پس باید صبر کنم تا در آخر ماه حقوق خود را بگیرم!

۱۴۹۸. «بَعْدَ إِجْرَاءِ حَفَلَةٍ بِمُنَاسِبَةِ الْعَامِ الدِّرَاسِيِّ الْجَدِيدِ قَالَ الْمُدِيرُ لِيَعْرِفَ طَلَابَنَا بِأَنَّ مُسْتَقْبَلَ الْبَلَادِ فِي أَيْدِيهِمِ الْقَوْتَةِ!»:

- ۱ پس از برگزاری جشن به مناسب سال تحصیلی جدید مدیر گفت: دانش آموزان ما درک می‌کنند که آینده کشور در دستان پر توان آن‌ها است!
- ۲ پس از اجرای جشنی به مناسب آغاز سال تحصیلی نو مدیر گفت: شاگردان ما باید بدانند که آینده مملکت به دستان قوی آن‌ها است!
- ۳ بعد از اجرای جشنی به مناسب سال تحصیلی جدید مدیر گفت: دانش آموزان مان باید بدانند که آینده کشور در دستان توانمند ایشان است!
- ۴ مدیر پس از برگزاری جشنی به مناسب سال تحصیلی جدید گفت: دانشجویان ما می‌دانند که آینده مملکت به دستان پر توان آن‌ها بستگی دارد!

۱۴۹۹. عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّعْرِيفِ: «سُخْنَ كَسَانِيَ كَهْ بِهِ خَدَاوَنْدَ كَافِرَ شَدَنْدَ بَنَيَادِ توْ رَا انْدُوهَگَمِينَ كَنَدَ پَسْ از رَحْمَتِ خَدَا نَالَمِيدَ نَشَوَ». عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّعْرِيفِ:

- ۱ لا يَحْرُنُكَ قَوْلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِاللَّهِ قَلَا تَقْنُطُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ.
- ۲ لا يَحْرُنُكَ قَوْلُ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ قَلَا تَقْنُطُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ.
- ۳ لا تَحْرُنْ مِنْ قَوْلِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِاللَّهِ قَلَا تَقْنُطُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ.

## ترجمه جد عارضه:

۱۵۰۰. عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجِمَةِ:

- ۱ (فَقْلٌ الْحُقُّ مِنْ رِبِّكُمْ، قَمَ شَاءَ فَلَيْؤْمِنُ)، بگو؛ حق از جانب پروردگار شما است، پس آن که می‌خواهد بر اوست که ایمان بیاورد!
- ۲ (أَوْلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَسْتُطِعُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ؟)، آیا نمی‌دانند که خداوند روزی را برای کسی که می‌خواهد، می‌گستراند؟!
- ۳ المؤمنونَ يَتَوَكَّلُونَ فِي حَيَاتِهِمْ عَلَى اللَّهِ قَطْطَهُ: مؤمنان در زندگی خود تنها باید بر خدا توگل کنند!
- ۴ الْيَوْمَ لَا يَقْتَشِنَ عَنْ خَلْلٍ لِهَذِهِ الْمُشَاكِلِ! امروز باید راه حلی را برای این مشکلات جست و جو کنم!

۱۵۰۱. عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجِمَةِ:

- ۱ ماری شیمل کانتْ تُجَبِّ العَيْشَ فِي السَّرْقِ: ماری شیمل زندگی کردن در شرق را دوست می‌داشت.
- ۲ لِذِلِّكَ دَرَسَتْ مُدَّةً طَوِيلَةً فِي الْهَنْدِ وَ بِالْإِسْلَامِ: برای همین، مدتی طولانی در هند و پاکستان درس خواند.
- ۳ کانتْ شیمل قَدْ أَوْضَثَ زُمَلَاعَهَا قَبْلَ وَفَائِهَا: شیمل قبل از وفاتش به همکارانش سفارش می‌کرد.
- ۴ يُسْكَلُوا فَرِيقًا لِلْجَوَارِ الْدِينِيِّ وَ الْتَّقَافِيِّ! باید گروهی را برای گفت و گویی دینی و فرهنگی تشکیل دهند!

## ۱۵۰۲. عین الصَّحِيحِ:

- ۱) لم یأْكُل الْطَّفْلُ الْجَائِعُ الْحَلِيبُ: کودک گرسنه شیر را نمی‌خورد.
- ۲) قَلْطَنْطَعُمُ الْأُمُّ طَفَلَهَا الطَّعَامُ لِتَنَمُّ: پس باید مادرش به کودک غذا دهد تا رشد کند.
- ۳) لَاتَّكُلُوا مَتَّا لَمْ يُذْكُر اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ: از آن‌چه نام خدا بر آن ذکر نشده است، نخوید.
- ۴) لَا نَكْثِرِي فِي الْأَكْلِ لِتَحْضُّنِي عَلَى السَّلَامَةِ: باید در خوردن زیاده روی کنی تا سلامتی به دست آوری.

## ۱۵۰۳. عین الصَّحِيحِ:

- ۱) مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسِيبُهُ: توکل بر خدا برای انسان کافی است.
- ۲) لَآنْ يَقُوزْ مَنْ يَطْلُبُ الزَّاهِةَ فِي حَيَاتِهِ: کسی که راحتی در زندگی را می‌خواهد موفق نخواهد شد.
- ۳) لِيَجْعَلَ الْإِنْسَانُ الْاجْتِهَادُ صَبَّ عَيْنِهِ: تا این که انسان تلاش را مد نظرش قرار دهد.
- ۴) لَا تَكُنْ طَلَبُ الدِّينِ حَرِيصًاً: برای طلب دینی حرجی نباش.

## ۱۵۰۴. عین الصَّحِيحِ:

- ۱) لِتَشْتَرِوْ بِطَارِيَةِ الْجَوَالِ مِنَ الْمَتَجَرِ: برای این که با تری تلفن همراه از مغازه‌ای بخرند.
- ۲) خُطْتَهُمْ لِتَأْجِيلِ الْامْتِحَانِ نَجَحَتْ: نقشه‌شان برای تأخیر امتحان موفق شد.
- ۳) لَهَا كَاتِبُ الْفَتْحِ حَوْلَ سَخْصِيَّةِ جَلَالِ الدِّينِ الرَّوْمَيِّ: کتابی بیراهمون شخصیت جلال‌الدین رومی نگاشته شد.
- ۴) لِمَنْ هَذَا التَّمِيقُ الَّذِي أَلْقَى أَحَادِيكَ إِلَى زَاوِيَّةِ لِبَاسِيِّ: که برادرت گوشه‌ای می‌اندازد مال کیست؟

## ۱۵۰۵. عین الخطأ:

- ۱) الْاِتَّحَادُ بَيْنَ الْحَضَارَاتِ يَرْفَعُ شَأنَ الْأَمْمَةِ: اتحاد بین تمدن‌ها مقام امت را بالا می‌برد.
- ۲) لَمْ أَرَأِعِ تَرْجِمَةَ الْأَدْعِيَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ، بِهِ تَرْجِمَهُ دُعَاهَيِّ اسْلَامِيَّ مَرَاجِعَهُ نَمِيَّ كَنْمَ.
- ۳) بَعْثَ النَّبِيِّ ﷺ لِيَهْدِيَ النَّاسَ: پیامبر فرشتاده شد تا مردم را هدایت کند.
- ۴) أَيْنَ تَقْعُ ثَانِي أَكْبَرِ مَدِينَةٍ فِي الْعَالَمِ؟ دُومِينْ شَهْرُ بَزَرْگَ دِنِيَا كَجا وَاقِعٌ شَدَهُ اسْتَ؟

## ۱۵۰۶. عین الخطأ:

- ۱) قَدْ مُعِنَّ الْمُؤْمِنُ عَنْ سَبِّ الْآخَرِينَ: مؤمن را از دشنامدادن به دیگران منع کرده است.
- ۲) عَلَيْهِ أَنْ يَتَعَنَّدْ عَنْهِ وَلَا يَعْمَلَ بِهِ: باید از آن دور شود و به آن عمل نکند.
- ۳) لِتَرْضِيَ الرَّحْمَنَ: که خداوند بخشنده را خوشنود سازد.
- ۴) وَيُسْخِطَ الشَّيْطَانُ وَيُعَاقِبَ عَدُوَّ: شیطان را خشمگین کند و دشمنش را کیفر دهد.

## ۱۵۰۷. عین الخطأ:

- ۱) شَاهَدْتُ مُسْكِنِيَّاً يَطْلَبُ مِنِّي الْمَسَاعِدَةَ: نیازمند را دیدم که از من طلب کمک کرده بود!
- ۲) عَلَيْكَ أَنْ تُصَادِقَ الْأَبْرَارَ دَائِمًا لَا الْأَشْرَارَ: بر تو است دائمًا بی‌نیکان دوستی کنی نه با بدان!
- ۳) فِي بَدَائِيِ الْأَمْرِ لَمْ يُشَاهِدِ الْطَّالِبَ تَقدِّمًا فِي دروْسِهِ: در ابتدای کار، دانش آموز پیشرفتی در درس‌هایش ندید!
- ۴) الْكِتَابُ الْمَفِيْدَةُ تَبَعَّدَنَا عَنِ الصَّلَالَةِ وَالْجَهَالَةِ: کتاب‌های سودمند را از گمراهی و جهل دور می‌سازند!

## ۱۵۰۸. عین الخطأ في الترجمة:

- ۱) مَنْ يَحَاوِلْ لِتَهْذِيْبِ نَفْسِهِ الْيَوْمَ يَتَقدَّمْ غَدًا فِي الْحَيَاةِ: هر کس امروز در تهذیب نفس خود بکوشد، فردا در زندگی پیشرفت می‌کند.
- ۲) إِنْ فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْنَّمُ أَبْوَابَ رَحْمَتِهِ تُفْتَحْ عَلَيْكُمْ خَرَانُّ عَلُوْمِهِ: اگر خداوند درهای رحمت خود را بر شما بگشاید، گنجینه‌های علومش بر شما گشوده می‌شود!
- ۳) لِيَنْتَفِعَ الْإِنْسَانُ فِي الدُّنْيَا مِنْ نَعْمَ اللَّهِ دَائِمًا وَلَا يَحْرُمْ نَفْسَهُ مِنْهَا: انسان در دنیا همواره از نعمت‌های خداوند بهره می‌برد و خود ش را از آن‌ها محروم نمی‌سازد!
- ۴) أَمْرَكَ اللَّهُ أَنْ تَسْأَلَهُ لِيُعْطِيَكَ، وَأَنْ تَسْتَعْفِرَهُ لِيُحَمِّكَ: خداوند به تو امر کرده که از او در خواست کنی تا عطایت کند، و از او طلب بخشنش کنی، تا تو را ببخشاید!

## ۱۵۰۹. عین الخطأ:

- ۱) لَمْ تَقُولُوْنَ مَا لَا تَفْعَلُوْنَ: چرا آن‌چه را انجام نمی‌دهید می‌گویید.
- ۲) عَلَى اللَّهِ قَلْيَتوَّلَ الْمُؤْمِنُونَ: مومنان باید فقط بر خدا توکل کنند.
- ۳) لَا تَيَأسُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ لَاَنَّ رَحْمَتَهُ وَاسِعَةٌ: از رحمت خدا تالمید نشوید زیرا رحمت او گسترده است.
- ۴) لِيَطَلَّبِ الْإِنْسَانُ مِنَ اللَّهِ كُلُّ مَا يُرِيدُ: انسان هر آن‌چه را می‌خواهد از خدا طلب می‌کند.

ستارتا (اسم مفرد+ضمیر) که در گزینه ۱ به صورت جمع آمده و ضمیر هم ترجمه نشده / در گزینه ۲ واژه «ماشین» حذف شده است. لیس نه، نازاریم (رد گزینه ۲)

۱۳۶۹. گزینه ۴ نکات کلیدی: نوع و معنی فعل، تأثیر حروف در معنی مضارع /بررسی گزینه های نادرست: لن تستطیعوا (لن + مضارع= معادل مستقبل منفي) بس گزینه ۱ و ۲ اشتباه است. آجایوا فعل ماضی به معنی «یاسخ دادند» رذ گزینه ۳ و ۲ / لآن بعیدون «زیرا دوریم» /الجامعة «دانشگاه» رذ گزینه ۱ و ۳

۱۳۷۰. گزینه ۲ نکات کلیدی: زمان فعل در جملات توصیفی، معنی فعل مضارع، معنی ترکیبها /بررسی گزینه های نادرست: أعمالها سنتی: مبتدا + مضارع+الله + خبر «کارهایش بد است» پس گزینه ۳ و ۴ اشتباه است. قالت لی «به من گفت» (رد گزینه ۴) تعلمت ماضی اول شخص «یاد گرفتم» (رد گزینه ۱) /لن آنسا «فراموش نخواهیم کرد» (لن + مضارع = معادل مستقبل منفي بس گزینه ۱ اشتباه است و در گزینه ۱ ضمیر ترجمه شده است.

۱۳۷۱. گزینه ۳ نکات کلیدی: معنی فعل، مفرد و جمع /بررسی گزینه های نادرست: اجلس فعل ماضی دارای حرف زاید مصدر بر وزن «إفعال» به معنی «نشاند» (رد گزینه ۱ و ۲) /الامتحان مفرد است که در گزینه ۲ و ۴ به صورت جمع ترجمه شده است. کان لاقدر (کان + مضارع = معادل ماضی استمراری) به معنی «نمی توانستند» (رد گزینه ۱ و ۴)

۱۳۷۲. گزینه ۴ نکات کلیدی: نوع «قَنْ»، نوع فعل /بررسی گزینه های نادرست: اسم استفهام «چه کسی» پس گزینه ۱ و ۳ اشتباه است. کان... یسوق (کان + مضارع = معادل ماضی استمراری) یعنی «راندگی می کرد» (رد گزینه ۱ و ۲) /ما استطاع «ماضی مانش را تعییر کند». (رد گزینه ۳)

۱۳۷۳. گزینه ۳ نکات کلیدی: ساختار جمله شرطی، نوع «قَنْ» /بررسی گزینه های نادرست: فعل شرط /توم جواب شرط به معنی «هر کس» که در گزینه ۱ و ۲ اشتباه است. استشارة معمولاً فعل شرط به صورت مضارع التراوی و جواب شرط به صورت مضارع اخباری ترجمه می شود که فقط در گزینه ۳ درست ترجمه شده است. علیه «برایش» که در گزینه ۱ ضمیر اشتباه ترجمه شده است، پقرپ و پیغُد فعل مضارع هستند که به مفعول نیاز دارند به معنی «نژدیک می کند، دور می کند» که در گزینه ۴ اشتباه ترجمه شده است.

۱۳۷۴. گزینه ۳ نکات کلیدی: معنی واژه ضمیر /بررسی گزینه های نادرست: اخوان جمع است به معنی «برادران، باران» که در گزینه ۱ ضمیر ترجمه شده است. دعاک فعل + ضمیر (مفهول) در گزینه ۴ ضمیر ترجمه نشده است. صدق مقاله اسم + اسم + ضمیر که در گزینه ۱ و ۴ ضمیر ترجمه نشده است. ضمیر «ک» جسیبده به فعل «نذیک» در گزینه ۴ ترجمه نشده است. افضل اعمال به معنی «بهرترین کارها» نه «کارهای برتر» (رد گزینه ۲)

۱۳۷۵. گزینه ۲ نکات کلیدی: نوع فعل، معنی مضارع /بررسی گزینه های نادرست: پیش فعل مضارع معلوم به معنی «آشکار می کند» و تبیجه مفعول است لذا گزینه ۱ و ۳ اشتباه است. تعلّمهم فعل مضارع + ضمیر (مفهول) یعنی «به آنها یاد می دهد» (رد گزینه ۳ و ۴) لن ینجحوا معادل مستقبل منفي «موفق نخواهند شد» (رد گزینه ۴)

۱۳۷۶. گزینه ۴ نکات کلیدی: توجه به مجھول بودن فعل اضطررث /بررسی سایر گزینه های نادرست: آمد» در عبارت عربی معادل ندارد و «ناچار کرد» فعل معلوم است در حالی که اضطررث فعل مجهول است و به معنی «مجبور شدم» صحیح است. /۳. «باعث آزار و اذیتم شد» ترجمه مناسبی برای آذانی «مرا اذیت کرد» نیست هم چنین به مجھول بودن فعل اضطررث توجه نشده است. /۴. «باعث آزار و اذیتم شد» نادرست است.

۱۳۷۷. گزینه ۴ نکات کلیدی: ترجمه فعل لئن آشی مستقبل منفي است، به معنای «فراموش نخواهیم کرد» و «ابداً هر گز» و جمع بودن امتحانات /بررسی سایر گزینه های نادرست: ۱. ایدا ترجمه نشده است در ضمن امتحانات به صورت مفرد ترجمه شده است /۲. فراموش نی کم ترجمه مناسبی برای لئن آشی نیست در ضمن همان کسانی بودند معادلی در جمله عربی ندارد ولکن لتجاه ترجمه نشده است. /۳. همان کسی بودند که معادلی در جمله عربی ندارد در ضمن امتحانات به صورت مفرد ترجمه شده است.

۱۳۷۸. گزینه ۱ نکات کلیدی: توجه به ترجمه فعل های موجود در جمله، همچین ترجمه ضمیر «ه» در أعماله /بررسی سایر گزینه های نادرست: ۲. ضمیر «ه» در أعماله ترجمه نشده است. /۳. بله به معنی بلکه صحیح است و ترجمه آن به صورت «و» نادرست است در ضمن ضمیر «ه» در أعماله باید ترجمه شود. /۴. تا باعث پیروزی شود ترجمه درستی برای حقیقت تبیح نیست.

۱۳۷۹. گزینه ۴ نکات کلیدی: اسم معرفه و نکره / نوع فعل (معادل مضارع التراوی) و مستقبل منفي، آن نهذب: پاک کیم / نعرف: بشناسیم / اسوة: الگویی (نکره) / لنهlek: هلاک نخواهد شد (لن + مضارع= مستقبل منفي) /بررسی سایر گزینه های نهذب: ۱. اسوة نکره است الگویی /امروء: انسانی / لنهlek: هلاک نخواهد شد /۲. آن نهذب: پاک کیم /عرف: شناخت، بشناسد /۳. حقیقت انسفست: حقیقت خودمان /امروء: انسانی (نکره) آخرین: دیگران

۱۳۸۰. گزینه ۴ نکات کلیدی: نوع فعل /ضمیر /معادل مضارع التراوی، اشتباه: مشغول (فعل امر) /اندمو: بشیمان شوید /حقیقت بصلخ: تا اصلاح کند /بررسی سایر گزینه های

## پاسخنامه درس ۶ عربی پازدهم



### ۱۳۹۰. گزینه ۳ خاتب (نالمید): مأبوب

۱۳۹۱. گزینه ۴ اسمهای متناسب در سایر گزینه های: ۱. قلیل (کم) ≠ کثیر (زیاد) ۲. لک (برای تو) ≠ علیک (بر تو) ۳. له (برای او) ≠ علیه (بر او)

۱۳۹۲. گزینه ۳ بررسی سایر گزینه های: ۱. شهرو (ماه) مفرد شهرو است. ۲. التائم (خواهید) مفرد التیام است. ۴. جامعه (دانشگاه) مفرد جامعات است.

۱۳۹۳. گزینه ۲ تهها اسم جمع در این گزینه ۳ (همکاران) است که مفرد آن ۴ میل است. دقت کنید که الجواب به معنی «گفت و گو» است و مفرد است. /جمع ها در سایر گزینه های: ۱. اصدقاء جمع صدیق (دوسن) و امور جمع امر (کار) است. ۳. المستشرقین جمع المستشرق (شرق شناس) و حقائق جمع حقیقت (حقیقت) است. ۴. الامتحانات جمع امتحانات و الطّلاب جمع الطّالب (دانش آموز) است.

۱۳۹۴. گزینه ۳ بررسی سایر گزینه های: ۱. ثانی أكبر مدينة، دومین شهر بزرگ ۲ مقابلات: مصاحبه ها ۴. الجامعية: دانشگاه

۱۳۹۵. گزینه ۴ بررسی سایر گزینه های: ۱. بعثت: فرستاده شد (فعل مجھول) ۲. لقّن: مال کیست؟ ۳. قلیعدها: باید عبادت کنند

۱۳۹۶. گزینه ۲ معنی: باید بدایم که این چهاردها مال کیست تا برایش ارسالشان کنیم»

۱۳۹۷. گزینه ۳ در گزینه ۳، در کلمات الحضارة (مدن)، المقابلة (اصحابه)، الثقافة (فرهنگ) و الحوار الدینی (گفت و گوی دینی) مقابلة با بقیه ارتباطی ندارند. /بررسی سایر گزینه های: ۱. المعاظنة (استان)، المدينة (شهر)، البلاد (کشور)، والريف (روسنا) همه از تقسيمات جغرافیایی هستند. ۲. العربية (عربی)، الأردية (اردو)، الإنجليزية (انگلیسی)، والفرنسية (فرانسوی) همه اسم زبان هستند. ۴. الشهير (ماه)، الأسبوع (هفتة)، الیوم (روز)، والستة (سال) همه از تقسيمات زمانی هستند.

## از سوال ۱۴۲۶ تا ۱۴۳۱

۱۴۲۶. گزینه ۳ ثاقبی: فرهنگی / معنی سایر واژه‌ها: دکتر: دکترا / محاضرة: سخنرانی / صناعة: صنایع

۱۴۲۷. گزینه ۲ لجودهم: بخاطر تلاششان / معنی سایر واژه‌ها: حضارته: برای تمدنش / لجته: بخاطر عشقش / لزمیه: بخاطر همکارش

**معنی متن:** آنهماری شیمل از مشهورترین شرقشناسان به شمار می‌رود. آنه در

آلمان به دنیا آمد، ولی پانزده ساله بود که یادگیری زبان عربی را آغاز کرد و وقتی نوزده ساله بود مدرک دکتری اش را در فلسفه و مطالعات اسلامی به دست آورد. او زبان‌های زیادی را یاد گرفت / از جمله: فارسی و عربی و ترکی و انگلیسی و فرانسوی و اردو. شیمل بیش از صد کتاب و مقاله نوشت که یکی از آن‌ها کتابی درباره شخصیت جلال‌الدین رومی بود. شیمل قبل از وفاتش به همکارانش وصیت کرد که گروهی برای گفتگوی دینی و فرهنگی تشکیل دهند که هدف غایی آن «کشیدن پله‌های صداقت و تفاهم میان اروپا و جهان اسلامی» و اتحاد میان تمدن‌ها باشد. او وصیت کرد حدیثی از رسول خدا (ص) بر قریش نوشته شود: «مردم خواب‌اند، جون بمیرند بیدار شوند!»

۱۴۲۸. گزینه ۴ سوال: درست را براساس متن تعیین کن. ۱. آنهماری شیمل به

مدرک دکتری رسید، درحالی که پانزده ساله بود. ۲. خیر، او در ۱۹ سالگی دکتری گرفت. ۳. مدرک دکتری او در زبان عربی بود. ۴. براحتی در فلسفه و مطالعات اسلامی بود. ۵. شیمل صد کتاب درباره شخصیت جلال‌الدین رومی نوشت. خبر: براحتی اسلامی نوشته شد. ۶. بیر قبر او حدیثی اسلامی نوشته شد. ۷. این مفهوم دقیقاً در متن وجود دارد. بنابراین پاسخ سوال گزینه ۴ است.

۱۴۲۹. گزینه ۴ سوال: آنچه را از وصیت‌های شیمل قبل از وفاتش بود تعیین کن:

۱. کشیدن پل دوستی بین اروپا و جهان اسلامی. ۲. ایجاد تفاهم بین اروپا و جهان اسلام. ۳. ایجاد اتحاد بین تمدن‌ها. ۴. تشکیل گروهی برای گفتگوی دینی و فرهنگی با توجه به متن، وصیت شیمل در گزینه ۴ بیان شده است و سه گزینه دیگر اهداف تشکیل گروه است. ۵. وصیت شیمل، بنابراین، بهترین پاسخ گزینه ۴ است.

۱۴۳۰. گزینه ۱ سوال: مفهوم متن درباره ... است. ۱. یکی از معروف‌ترین

شرقشناسان، به من درباره آنهماری شیمل است که از مشهورترین مستشرقان است. ۲. مرگ انسان و بیدارشدن او پس از مرگش. ۳. «باید این دین‌ها و فرهنگ‌ها» باید شده است و سه گزینه دیگر اهداف شیمل گروه است. ۴. در متن اشاره شده است. ولی مفهوم متن نیست. ۵. «زبان‌های بسیاری که شیمل آموخت.» به این مفهوم در متن اشاره شده است، ولی مفهوم متن این جمله نیست. پس گزینه صحیح گزینه ۱ است.

**معنی متن:** پایداری عاملی اساسی برای موقیت است. مشکلاتی که در برابر انسان

آشکار می‌شوند در زندگی او فراوانند که تنها پایداری آنها را خوار می‌کند. گاهی لحظاتی بر انسان می‌گذرد که در آن‌ها نامید می‌شود، ولی انسان صبور تسلیم نمی‌شود؛ زیرا همه مشکلات در برابر پایداری سلاح خوبی را می‌اندازند. می‌گویند داشتن آموزی از کارش نامید شد و درست راه را کرد. در راهش پیززنی را دید که داشت قطعه‌آهن بزرگی را با سنجی می‌کوشت تا آن سوزنی بسازد. داشت آموز شرمنده شد و به سر کارش بازگشت. **[ذکر]:** دقت کنید که عجزوی یعنی «زن پیر». این کلمه خودش مؤثث است: پس اضافه کردن «ة» به آن در ترکیب المرأة العجوز لازم نیست.

۱۴۳۱. گزینه ۱ سوال: دلیل اصلی موقیت افراد موفق چیست؟ طبق متن، «عزم و

اراده ایشان» عامل اصلی موقیت و پیروزی است. این مفهوم در گزینه ۱ وجود دارد. طبق متن، سایر گزینه‌ها، تعمت‌ها و نیروهای ذاتی ایشان (گزینه ۲) و غنا و ثروتشان (گزینه ۳) و اخلاقشان و کمک دیگران به آنها (گزینه ۴) نادرست هستند.

۱۴۳۲. گزینه ۳ سوال: نتیجه موجود در کار پیر زن چیست؟ ۱. نبر و تفکر. ۲.

«آزو و سلامتی جسم.» ۳. «اراده و خستگی‌پذیری.» ۴. «فکر و نشاط.» براساس متن، گزینه ۳ صحیح است.

۱۴۳۳. گزینه ۱ سوال: اشتباه را در مفهوم متن تعیین کن. ۱. «چون عزم کار خیر

کردی، شتاب کن.» در متن درباره «عجله کردن برای کار خیر» صحبتی نشده است. ۲. «بزرگی از آن کسی است که نمی‌خواهد.» چنین مفهومی را می‌توان از متن برداشت کرد. ۳. «پس هر کس بخواهد (تبلی کند) زندگی منتظر او نمی‌ماند.» چنین مفهومی را هم می‌توان از متن برداشت کرد. ۴. «به بزرگی نخواهی رسید تا وقی که صبر پیشه کنی.» چنین مفهومی را هم می‌توان از متن برداشت کرد.

۱۴۳۴. گزینه ۲ سوال: اشتباه را تعیین کن. ۱. «دلیل موقیت دانشمندان به پشتکار

ایشان در کارها و عدم تبلی ایشان بر می‌گردد.» به: براساس متن این جمله درست است. ۲. «توانایی‌های ذاتی عامل موقیت هستند، هر چند اراده (پشتکار) همراه آن‌ها نباشد.» خیر؛ این جمله برخلاف متن و نادرست است. ۳. «موقیت افراد موفق به دلیل خانواده ژر و تمدنشان

## از سوال ۱۴۵۵ تا ۱۴۴۲

**۱۴۴۷. گزینه ۱** سوال، گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن، لام بر امر دلالت کند. در گزینه ۱، لیکن هم را توانیم به صورت «برای این که بزرگ بداریم» ترجمه کنیم و باید آن را به صورت امر ترجمه کنیم / **معنی جمله**: «همه ما باید دانشمندان بزرگ را در جامعه بزرگ بداریم» / **معنی سایر گزینه‌ها**: ۲ «برای همه ملت‌مان از خداوند امید توفيق و سعادت در زندگی شان داریم»، ۳ «او برای تأمین آن‌جهه در خانه به آن نیاز دارد بسیار کار می‌کند»، ۴ «آیات حق را می‌خواهیم برای این که مدیاتمان کند به راه راست».

**۱۴۴۸. گزینه ۲** سوال، گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن، فعل منفی نباشد. در گزینه ۲، هیچ کلمه‌ای وجود ندارد که فعل را منفی کند. دقت کنید که «ما» بر سر فعل ماضی می‌تواند منفی کننده فعل باشد و **تعزیز ماضی نیست**. / **معنی جمله**: «همانطور که می‌دانید، من همیشه صلاح شما را می‌خواهم»، / **معنی سایر گزینه‌ها**: ۱ «آهو از کوه بلند بالا نرفت»، ۲ «آن‌جهه را پشت آن کوه است نمی‌شناسید». ۳ «بر ما واجب است که از همسایگانمان کمک نخواهیم»، ۴ «بناید از همسایگانمان کمک بخواهیم».

**۱۴۴۹. گزینه ۳** سوال، گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن توانیم معنای مضارع را برداشت کنیم. گزینه ۳ یک جمله شرطی است که فعل و جواب شرط ماضی هستند، ولی می‌توانیم در جملات شرطی فعل ماضی را مضارع هم ترجمه کنیم، پس پاسخ صحیح همین گزینه است. / **معنی جمله**: «اگر درس‌هایت را با دقت بخوانی (خواندی)، از آن سود میری (بردی)»، / **معنی سایر گزینه‌ها**: ۱ «دانش آموز با اخلاق خوب زینت شد»، ۲ «انسان نتیجه ظلم ستمگران را ندید»، ۴ «موفق نشد کسی که به نتایج کارش نگاه نکرد».

**۱۴۵۰. گزینه ۴** سوال، گزینه‌ای را می‌خواهد که توضیح آن در جمله داده شده وجود ندارد. در این جمله دو اسم وجود دارد. المؤمن که «ال» دارد و الله که اسم علم است، پس هر دو اسم معرفه‌اند و اسم نکره‌ای در جمله دیده نمی‌شود. یعنی پاسخ تست گزینه ۴ است. / **معنی جمله**: «مؤمن باید به خداوند توکل کند»، / **بررسی سایر گزینه‌ها**: ۱ «حرف لام در عبارت «فلتیکل» معنی امر دارد، چون نمی‌توان آن را به صورت «برای این که معنی کرد»، ۲ «فلتیکل از گروه قم و مصدر آن بر وزن تقلیل است. ۳ «المؤمن اس فاعل از گروه دقم و مصدر آن بر وزن إفعال است.

**۱۴۵۱. گزینه ۲** سوال، اشتباه در باره کلمات جمله را می‌خواهد. اشتباه در گزینه ۲ است. در این جمله فعل تغییری نمی‌کند پون «لا یجُب» فعل نفی است نه امر؛ و «لام» نفی فعل را تغییر نمی‌دهد. / **معنی جمله**: «بر ماست که بر دیگران تکبر نورزیم، که خداوند متکبران را دوست ندارد».

**۱۴۵۲. گزینه ۳** سوال، اشتباه را می‌خواهد. خصلتان معرفه نیست، چون «ال» ندارد و اسم علم هم نیست، پس گزینه ۳ پاسخ سوال است. / **معنی جمله**: «دو خصلت در بندگان خداوند جمع نمی‌شود؛ بخل و دروغ».

**۱۴۵۳. گزینه ۳** سوال، گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن، فعل به مضارع التزامی دلالت می‌کند. در گزینه ۳، عبارت «لیقْهَمُون»، معادل مضارع التزامی است چون حرف «ال» معنی امری ندارد و باید به صورت «برای این که» معنی شود. / **معنی جمله**: «ای دختران من، با برندگان مسابقه صحبت کنید تا راز موقیعت‌شان را بفهمید»، / **معنی سایر گزینه‌ها**: ۱ «زنان مسلمان باید با حقایق زندگی تلح با خوشبینی رویه و شوند»، ۲ «ما برای رشد گلولوی‌های قرمز در بدنمان اماری خوریم»، ۴ «اگر دشواری‌ها را تحمل می‌کردی و دردهای سیاری را می‌جشیدی، قطعاً به هدفت مرسیدی».

**۱۴۵۴. گزینه ۴** سوال، گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن، حرف «لام» از نظر معنی با بقیه مقاوت باشد. اگر «ال» بر سر اسم باید، حرف جز است و معنی «برای» می‌دهد و اگر بر سر فعل دوم شخص باید، فعل را به مضارع التزامی تبدیل می‌کند و «برای این که» معنی می‌شود. و اگر بر سر فعل غیر دوم شخص باید، یا انتد فعل غیر دوم شخص است. یا همراه «باید» معنی می‌شود و نوعی حالت امری دارد. در این حالت، باید جمله را معنی کنیم و ببینیم کدام حالت معنی دارد. در گزینه ۴، این حرف بر سر اسم آمده است («لَعَلَّ» مصدر و اسم است) پس حرف جز است و به معنی «برای». در سایر گزینه‌ها، این حرف بر سر فعل غیر دوم شخص آمده است. پس این حرف در سایر گزینه‌ها معنی نمی‌شود. بلکه به جمله حالت امری می‌دهد. بنابراین، معنی «ال» در گزینه ۴ با بقیه مقاوت دارد. / **معنی سایر گزینه‌ها**: ۱ «باید بدانیم که موقیعت بدون تلاش ممکن نیست»، ۲ «مؤمنان باید به خداوند توکل کنند»، ۳ «باید به حرف حق گوش فرا دهیم»، ۴ «بی‌شک امتحانات برای بادگیری درس‌هایمان به ما کمک می‌کند».

**۱۴۵۵. گزینه ۱** سوال، گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن، لام معنی امر نداشته باشد. راه تشخیص این است که جمله را هم به حالت امری و هم به حالت التزامی ترجمه کنیم و ببینیم کدام حالت معنی و مفهوم درست‌تر و بهتری دارد. در گزینه ۱ اگر بخواهیم لیست‌داور را به صورت امری معنی کنیم، جمله چنین می‌شود: «دوستانش به سوی او شافتند باید او را نجات دهند». این جمله هیچ مفهومی ندارد، پس لام در این گزینه معنی امر ندارد. / **معنی جمله**: «دوستانش به سوی او شافتند برای این که او را نجات دهند»، / **معنی سایر گزینه‌ها**: ۲ «و باید در زندگی اش عمل صالح انجام دهد»، ۳ «این دانش آموزان باید به سالن برگردند»، ۴ «ما باید به خدمان اعتماد کنیم» یا «ما باید اعتماد به نفس داشته باشیم».

باشد. معنی جمله با فعل درست: «من در هفته گذشته به نزدیکانم طعام ندادم». ۲ در گزینه

۲. اولاً فعل لام پرچم (بازنگشت) برای سو شخص مفرد مذکور است. ولی باید با «أنت» که مبتدای جمله است متناسب باشد؛ یعنی فعل صحیح باید به دوم شخص مفرد مؤنث باشد. ثانیاً این فعل معادل گذشته منفی است و نمی‌تواند در جمله‌ای که در انتهای آن کلمه «غداً (قدراً) وجود دارد قرار گیرد. فعل مناسب برای این گزینه می‌تواند مثلًا ترجیحی (برنیم گردی) یا لَنْ تَرْجِعِي (بازنگاهی گشت) باشد. معنی جمله با فعل درست: «آیا فرداز سفر نمی‌گردی (بازنگاهی گشت؟» ۴ در گزینه ۴، اولاً فعل لا تَيَسُون (نمایید نمی‌شوید) برای دوم شخص جمع مذکور است، ولی باید با عبارت «لَعَلَكَ» (بر تو واجب است) که جمله با آن شروع می‌شود متناسب باشد؛ یعنی فعل صحیح باید به دوم شخص مفرد مذکور باشد. ثانیاً این فعل مضارع منفی است، ولی در این جمله، با توجه به عبارت «بر تو واجب است» در ابتدای جمله، فعل باید معادل مضارع التزامی منفی با نمی‌باشد. فعل مناسب برای این گزینه می‌تواند مثلًا لَنْ لَا تَيَسُ (که نمایید نشوی) یا لَا تَيَسَ (نمایید نشو) باشد. معنی جمله با فعل درست: «بر تو واجب است لای تیاس (نمایید نشو) یا لای تیاس (نمایید نشو) باشد. یعنی جمله با نمی‌باشد.

**۱۴۴۲. گزینه ۲** سوال، گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن، کلمه داده شده تواند جای خالی را به طور مناسب پر کند. وقتی حرف «ال» بر سر فعل مضارع قرار گیرد، زمان آن را به آینده منفی تبدیل می‌کند و آخر آن را تغییر می‌دهد. این تغییر در صیغه اول شخص مفرد تبدیل شدن حرکت ضمته (ـهـ) به فتحه (ـهـ) است. در گزینه ۲، لَنْ بر سر فعل قرار گرفته، ولی در کلمة پیشنهاد شده حرکت آخر فعل ساکن شده است، پس این گزینه با ساخت صحیح تست است. شکل صحیح این جمله به این گونه است: «فَلَنْ أَكُنْ بَعْدَ الْيَوْمِ أَبِدًا».

**۱۴۴۳. گزینه ۲** سوال، گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن معنی مضارع وجود دارد. فعل لا یوصلان در گزینه ۲ مضارع منفی یا نمی‌است، پس پاسخ صحیح همین گزینه است / **معنی جمله**: «تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ لَمْ يَرُوْهُ تَخَوَّهُمْ گَفَّتْ»، / **بررسی سایر گزینه‌ها**: ۱ «صداقت با مردم این است که به دیگران دروغ نگویی»، ۲ «آن لاتکتیب: معارض التزامی منفی تمساح در ساحل استراحت می‌کند تا دندان‌هایش تمیز شوند». ۳ «لَتَكْتَبْنَ: معارض التزامی مجهول»، ۴ «دانش آموزان دیروز نکالیفشن را نوشتند». لَمْ بَيْكَتْنَ: معادل مضارع منفی

**۱۴۴۴. گزینه ۲** سوال، گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن معنی مضارع وجود دارد. فعل لا یوصلان در گزینه ۲ مضارع منفی یا نمی‌است، پس پاسخ صحیح همین گزینه است / **معنی جمله**: «تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ لَمْ يَرُوْهُ تَخَوَّهُمْ گَفَّتْ»، / **بررسی سایر گزینه‌ها**: ۱ «زنان در باری رساندن به فقر اکوتاهی نکردن»، لَمْ فَقَرْسَنْ: معادل مضارع منفی ۲. موقوف نشد کسی که در زندگی اش شرطی هم در نظر بگیریم. در این حالت فعل‌ها را می‌توانیم به ترتیب مضارع منفی و مضارع التزامی منفی هم ترجیمه کنیم، پس این گزینه هم تا حدودی می‌تواند پاسخ صحیح باشد؛ ولی به یاد داشته باشید که در سؤالات جهار گزینه‌ای، باید درست‌ترین پاسخ را اختاب کنید.

گزینه ۳ را هرگز نمی‌توانید غیر از مضارع و به صورت ماضی ترجمه کنید ولی گزینه ۲ را هم می‌توانید ماضی و هم مضارع ترجمه کنید. پس پاسخ درست در گزینه ۳ وجود دارد. ۴ «ترس از خداوند مرآ از گناه باز می‌داشت». کان تیمچه: معارض التزامی استمراري

**۱۴۴۴. گزینه ۴** سوال، گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن فعل مضارعی وجود دارد. فعل باشد که تغییری در آخر آن اتفاق نیافتد است. در گزینه ۴، دو فعل وجود دارد: ارید که فعل مضارعی است که هیچ تغییر در آن اتفاق نمی‌افتد. فعل آن لا ارجع هم وجود دارد که حرف «أَنْ» در آن باعث تغییر فعل مضارع شده است، پس این گزینه ۴ می‌تواند پاسخ سوال باشد. چون فعل مضارعی تغییر در آن دیده می‌شود. / **معنی جمله**: «می‌خواهیم که در این جمله شرطی هم در نظر بگیریم. در این حالت فعل‌ها را می‌توانیم به ترتیب مضارع منفی و مضارع التزامی منفی هم ترجیمه کنیم، پس این گزینه جمله داده شده است. در آن دیده می‌شود.» ۲ در گزینه ۴، هر کس از باشند محافظت کند. در این جمله، «من» به معنی داشنگاه بر نگردم، / **بررسی سایر گزینه‌ها**: ۱ «هر کس از یادش محفوظ است.» در آغاز جمله دقت کنید. در این جمله، «من» به معنی کرد که در این مانند. به این «من» در آغاز جمله دقت کنید. در این جمله، «من» به معنی هر کس و جمله شرطی است: بنابراین حرف پایانی فعل‌ها را می‌توانیم به تغییر در آن دیده می‌شود. ۲ «می‌خواهیم که در این جمله تغییر در آن اتفاق نمی‌افتد.» ۳ «هر کس از تغییر همیشه با اوست.» به عبارت «لِيَعْلَمْ» دقت کنید. حرف «ال» هر معنایی داشته باشد. وقتی بر سر فعل مضارع ترجمه باید آخر آن را تغییر می‌دهد. ۴ «استادمان ما را مخاطب قرار داد و ما چیزی از نیر سیدیم،» به عبارت‌های «لَمْ يَخَاطَنَا» و «لَمْ يَسْأَلَهُ» دقت کنید: هر گاه «أَنْ» بر سر فعل مضارع باید آخر آن را تغییر می‌دهد.

**۱۴۴۵. گزینه ۲** سوال، گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن حرف «ال» با بقیه مقاوت باشد. در گزینه ۲، لَمْ به معنی «برای این که» و در سایر گزینه‌ها به معنی «باید» و برای ساختن جمله امری است. / **معنی جمله**: «فَلَمْ يَرُوْهُ تَخَوَّهُمْ گَفَّتْ»، / **بررسی سایر گزینه‌ها**: ۱ «زنان باید بدانند که خداوند همیشه در این حالت می‌خواهد که در این اتفاق نمی‌افتد.» ۲ «کردم» / **معنی سایر گزینه‌ها**: ۱ «دانش آموزان باید بدانند که عقل سلیم اصلاح کننده همه امور است.» ۳ «باید تلاش را نصب‌العین خود کنم (یعنی همیشه در اولویت کارهای قرار دهن) تا به هدف برسم.» ۴ «باید از مشورت کردن با هر دلسوز نادانی دوری کنیم.»

**۱۴۴۶. گزینه ۳** سوال، گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن فعلی با معنی مضارع التزامی یا امر وجود نداشته باشد. در گزینه ۳ اصلًا فعلی وجود ندارد که بخواهد که شفاهی‌های بسیاری برای بیداری انسان وجود دارد. / **معنی جمله**: «در آسمان‌ها و زمین شفاهی‌های بسیاری برای بیداری کمک کنند.» ۲ «مادر به دخترانش فرمان داد که در کارهایشان تبلی نکنند.» ۳ «آن لایساعد: امر.» ۴ «اگر شریینی عاقبت حقیقت را درد کنید.» ۵ «آن صیر می‌کنید.» این جمله شرطی است و فعل شرط (إنْ تَعْرِفُوا) در آن در زمان مضارع التزامی است.

## ۱۴۷۷ تا ۱۴۵۶ از سوال

به ترتیب «فعل شرط» و «جواب شرط» هستند و به ترتیب «مضارع التزامی» و «مضارع اخباری» ترجمه می‌شوند. **ترجمه عبارت:** «هر گاه فرمایان فرماتر واشون، شایستگان هلاک می‌شوند».

**۱۴۶۴ گزینه ۱** سوال، گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن حرف «ل» دلالت بر امر نداشته باشد در گزینه ۱ «ل» معادل برای این که ترجمه می‌شود: «بعد از سه روز گنجشک برای این که طلب روزی کند از لانه‌اش خارج شد» و لی در سایر گزینه‌ها «(+) معادل «باید» ترجمه می‌شود. **به ترجمه سایر گزینه‌ها توجه کنید:** «امروز باید تا غروب آفتاب در کارخانه کار کنیم»، «(+) می‌خواهیم کلام استاد را خوب بشنویم پس باید جلو بشنیم». **همانًا برادرانم باید در همه شرایط به خداوند اعتماد کنند».**

**۱۴۶۵ گزینه ۲** سوال، از ما گزینه‌ای را خواسته است که در آن نوع حرف «لام» متفاوت باشد. در گزینه ۲ حرف «لام» در فعل «لتعتمدید» «لام امر» است و معنی باید دارد. اما حرف «لام» در سایر گزینه‌ها در فعل‌های «الاکمل»، «التبعد» و «التعاقب» به معنی «تا... تا...» که برای این که است. **ترجمه سایر گزینه‌ها:** «برای این که بژوشنی هایم را درباره این موضوع کامل کنم، به مناطق مختلفی سفر کردم»، «برای این که خودت را از خشم دور کنی، بسیار تلاش کردم»، «فرزندان کشور ما باید بر خودشان تکیه کنند تا این که به بزرگی‌ها بررسند». **برای این که تجربه‌های مهتی را در زندگی بیاموزم به خانه بدر بزرگ رفتم».**

**۱۴۶۶ گزینه ۳** «پیامبر سفاته را آزاد کرد و به سوی برادرش باز گشت. بعد از این که اسیر شد»، **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱. لم + مضارع: ماضی منفی که با «غدا؛ فردا» همان‌گنگ نیست. ۲. لم + مضارع: آینده منفی که با «امس؛ دیروز» همان‌گنگ نیست. ۳. فعل‌ها مضارع است اما قید زمان «فی السنّة الماضية» در سال گذشته».

**۱۴۶۷ گزینه ۴** «پیامبر سفاته را آزاد کرد و به سوی برادرش باز گشت. بعد از حرف جر نیست. «ف» حرف جواب است که بر سر جمله اسمیهای که جواب شرط باشد می‌اید. ۳. «لام» در این عبارت حرف نهی است (نفوش). ۴. «لام» در «حتی لا» حرف نهی است (هر گاه «لام» با حروف آن حتی بیانید، حرف نهی است).

**۱۴۶۸ گزینه ۲** هر گاه لم بر سر فعل مضارع باید بر ماضی منفی دلالت می‌کند. **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱. «ان» حرف شرط است و جمله شرطی است و معمولاً فعل شرط به صورت مضارع التزامی و جواب شرط به صورت مضارع اخباری ترجمه می‌شود. ۳. «لن» همراه با مضارع معنی «مستقبل منفی» می‌دهد. ۴. «ایم» مخفف لاما است با «ایم» استباه شود.

**۱۴۶۹ گزینه ۴** مورد سوال، عبارتی است که دارای فعل ماضی نباشد و ادعّا و استجّب فعل امر هستند. **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱. لم یتسخ: (لم + مضارع: ماضی منفی) / ۲. آنبو: فعل ماضی / ۳. شاء: فعل ماضی

**۱۴۷۰ گزینه ۴** «هر کس خودش را گرامی ندارد، گرامی داشته نمی‌شود.» (هر دو لای نهی است)

**۱۴۷۱ گزینه ۲** هر گاه «لام» بر سر فعل مضارع باید و علت کاری را بین کند (علت فعل دیگری)، فعل به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود «برادرم کوشید تا پدرم را راضی کند» در بقیه گزینه‌ها «لام» بر سر فعل مضارع آمده است و معنی «باید» می‌دهد. ۱. لئنوارت: باید بجنگم / ۲. لئنسقیط: باید بیدار شویم / ۴. لیقتمددا: باید اعتماد کنند

**۱۴۷۲ گزینه ۳** شکل فعل نهی و نهی در فعل جمع مؤنث شیوه هم است و در جمله با توجه به سیاق جمله می‌توان آن را تشخیص داد.

**۱۴۷۳ گزینه ۲** «لام» در «تحقیقی» حرف جر است (حرف «لام» در «لأسع» لام امر است) و در بقیه گزینه‌ها «لام» حرف امر است.

**۱۴۷۴ گزینه ۲** سوال گزینه‌ای را می‌خواهد که حرکات کلمه یا کلماتی در آن نادرست باشد. در گزینه ۲، «لم پقصر» به معنی «کوتاهی نکرد»، می‌باشد. حرف «ایم» بر سر مضارع آمده و معنی ماضی منفی می‌دهد پس واژه «ایم» برای چه «نه» نادرست است.

**۱۴۷۵ گزینه ۲** **نکات کلیدی:** ضمیر، معنی کل / **بررسی گزینه‌های نادرست:** در گزینه ۱، ضمیر «ی» ترجمه نشده، گفت... مُعْجَبَةً به معنی «شیفته بودم» است نه «گردیدم». در گزینه ۳ «کل مَا» به معنی «هر چه نه» (همه چیزها)، «گفت... مُعْجَبَةً به معنی «شیفته بودم» نه «شدم» در گزینه ۴ «کل مَا» به معنی «هر چه نه» (چیزهایی)، «گفت... مشتاقه» به معنی «خواهان بودم» است.

**۱۴۷۶ گزینه ۴** **نکات کلیدی:** عدد، معنی فعل / **بررسی گزینه‌های نادرست:** بدأ: آغاز کرد (رد گزینه ۲) / ۱. التاسعة عشرة: ۱۹ (رد گزینه ۱) / التاسعة عشرة من عمره: ۱۹ سالگی (رد گزینه ۲) / ذَرْس: درس داد که فقط در گزینه ۴ درست ترجمه شده است. گذلک: همچنین در گزینه ۲ و ۳ ترجمه نشده است. خمسة و عشرین: ۲۵ (رد گزینه ۲ و ۳) / جامعة اسم مفرد «دانشگاه» که در گزینه ۱ ترجمه نشده است.

**۱۴۷۷ گزینه ۳** **نکات کلیدی:** فعل و معقول، معنی و نوع فعل / **بررسی گزینه‌های نادرست:** قد شکل: قد+ماضی: معمولاً معادل ماضی نقلی «تشکیل داده‌اند» رد گزینه ۱ و ۲ / فریقاً اسم مفرد، نکره، مفعول به معنی «گروهی را» که در گزینه ۱ جمع ترجمه شده است. الباحثون: فعل / فریقاً: مفعول در گزینه ۴ اشتباه بکار رفته است.

۱۴۵۶ گزینه ۲ سوال، گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن حرف «ل» مفتوح نباشد یعنی فتحه نداشته باشد. حرف «ل» اگر بر سر فعل باید می‌تواند کسره داشته باشد یا ساکن باشد. یعنی فقط وقتی حرف «ل» می‌تواند مفتوح باشد: بکار بر سر ضمیر «ی» «آمد» است: یکبار بر سر فعل «لاعلم» که نمی‌تواند هم مفتوح است: لکن «تو مرد راستگویی هستی و به آن‌ها چیزی که انجام نمی‌دهی نمی‌گویی». «لام در این گزینه هم مفتوح است: لهم».

**۱۴۵۷ گزینه ۱** سوال، گزینه‌ای را می‌خواند به او گوش بدی «لام در این گزینه مفتوح است: لة» خداوند تو را فرستاد و به تو حکم داد و تو را از پیامبران قرار داد. «لام در این گزینه هم مفتوح است: لکن «تو مرد راستگویی هستی و به آن‌ها چیزی که انجام نمی‌دهی نمی‌گویی». «لام در این گزینه هم مفتوح است: لهم».

**۱۴۵۸ گزینه ۱** وقتی معلم درس را می‌خواند به او گوش بدی «لام در این گزینه مفتوح است: لة» خداوند تو را فرستاد و به تو حکم داد و تو را از پیامبران قرار داد. «لام در این گزینه هم مفتوح است: لکن «تو مرد راستگویی هستی و به آن‌ها چیزی که انجام نمی‌دهی نمی‌گویی». «لام در این گزینه هم مفتوح است: لهم».

**۱۴۵۹ گزینه ۱** سوال، گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن لام بر سر فعل مضارع ساکن باشد. لام فقط بر سر فعل می‌تواند ساکن شود و این اتفاق وقتی می‌افتد که بعد از حروف «و، ثم، ق» باید. **فایتمددا و ویتشکروا در گزینه ۱** شرایط سکون لام را داردند. **معنی جمله:** «مردم باید پروردگارشان را عبادت و از او قدردانی کنند». **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲. «در این ماه باید به سوی شهرمان برویم». قبل از لندنهب هیچکدام از حروف «و، ثم، ق» نیامده پس لام نمی‌تواند ساکن شود. ۳. «امروز دیستان را بایتان کامل کردم». در عبارت «لکم»، حرف لام بر سر فعل نیامده است، پس نمی‌تواند ساکن باشد. ۴. «به سوی بازار می‌روم تا کتاب‌های بخرام». قبل از لاسترنی هم هیچکدام از حروف «و، ثم، ق» نیامده پس لام نمی‌تواند ساکن شود.

**۱۴۶۰ گزینه ۱** سوال، گزینه‌ای را می‌خواهد که فعل امر باشد در این عبارت لیکنکم به معنی باید گرامی بدارد فعل امر است. **معنی جمله:** «باید هر یک از ما دانشمندان بزرگ را در جامعه گرامی بدارد». **معنی سایر گزینه‌ها:** ۲. «برای همه [افراد] ملت خود توفيق و سعادت در زندگی شان به خداوند امید داریم». ۳. «او برای کسب آنچه در خانه به آن نیاز دارد خیلی کار می‌کند». ۴. «آیات حق رامی خوانیم تا خداوند را به راه رسالت هدایت کند».

**۱۴۶۱ گزینه ۲** سوال، از ما فعلی را خواسته است که معنای آن معادل فعل «لام نسخه» نشینیدم نشیده‌ام باشد. همان‌طور که می‌دانیم «لام + فعل مضارع» به صورت «ماضی ساده منفی» یا «ماضی نقلی منفی» ترجمه می‌شود. در میان گزینه‌ها تنها گزینه ۲ یعنی فعل «ماضی ساده منفی» دارای معنای «ماضی ساده منفی» است و معنای آن معادل فعل داده شده در سوال است. **ترجمه سایر گزینه‌ها:** ۱. «هر گز خواهیم شدید». ۳. «نمی‌شنویم». ۴. «هنگامی که می‌شنویم».

**۱۴۶۰ گزینه ۴** سوال، از ما فعلی را خواسته است که همه این عبارت لیکنکم به معنی باید گرامی بدارد فعل امر است. **معنی جمله:** «باید هر یک از ما دانشمندان بزرگ را در همۀ گرامی بدارد». **معنی سایر گزینه‌ها:** ۲. «برای همه [افراد] ملت خود توفيق و سعادت در زندگی شان به خداوند امید داریم». ۳. «او برای کسب آنچه در خانه به آن نیاز دارد خیلی کار می‌کند». ۴. «آیات حق رامی خوانیم تا خداوند را به راه رسالت هدایت کند».

**۱۴۶۲ گزینه ۱** سوال، از ما گزینه‌ای را خواسته است که در آن فعل نهی (امر منفی) نیامده باشد. در گزینه ۴ فعل «لاظفین» فعل مضارع منفی است و «لام» در آن نهی است. **ترجمه عبارت:** «فاطمه و دوستش ... به مدرسه در هفته آینده»، **ترجمه سایر گزینه‌ها:** «نیاید بروند» / ۲. «باید بروند» / ۳. «نخواهند رفت» / ۴. «نخواهند نرفتند» / ۵. «نخواهید همان‌طور که از گزینه ۲ شناخته است.

**۱۴۶۳ گزینه ۴** سوال، از ما گزینه‌ای را خواسته است که در آن فعل نهی (امر منفی) نیامده باشد. در گزینه ۴ فعل «لاظفین» فعل مضارع منفی است و «لام» در آن نهی است. **ترجمه عبارت:** «شما جز خشنودی خداوند گزینه‌ها را نمی‌خواهید». **ترجمه سایر گزینه‌ها:** ۱. در این گزینه فعل «لاظفین» نهی است. **ترجمه عبارت:** «جز با سخن مفید، سخن نگویند». ۲. فعل «لام نهی» در این گزینه نهی است. **ترجمه عبارت:** «در خودن غذا اسراف نکنند».

**۱۴۶۴ گزینه ۳** صورت سوال، از ما گزینه‌ای را خواسته است که در آن حرف «لام» از سه گزینه دیگر متفاوت باشد. حرف «لام» اگر بر سر فعل باید با «لام نهی» است و با «لام نهی»، گزینه‌های ۱ و ۲ و ۳ حرف «لام» را نهی نمایند. **ترجمه عبارت:** «شما جز خشنودی خداوند گزینه‌ها را نمی‌خواهید». **ترجمه سایر گزینه‌ها:** ۱. در این گزینه فعل «لام نهی» نهی است. **ترجمه عبارت:** «جز با سخن مفید، سخن نگویند». ۲. فعل «لام نهی» در این گزینه نهی است. **ترجمه عبارت:** «در خودن غذا اسراف نکنند».

**۱۴۶۵ گزینه ۴** صورت سوال، از ما گزینه‌ای را خواسته است که در آن حرف «لام» از سه گزینه دیگر متفاوت باشد. حرف «لام» در آن‌ها «نهی» است. اما در گزینه ۴ «لام نهی» است. **ترجمه عبارت:** «فاطمه و دوستش ... به مدرسه در هفته آینده»، **ترجمه سایر گزینه‌ها:** ۱. در گزینه ۴ «کسی که با مذمت و تلاش کار نمی‌کند، موقفيت را در زندگی اش نخواهد دید». **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱. «خود را از روزی‌های یا کی که خداوند برای تو نازل نموده است، محروم نساز». ۲. «وارد آزمایشگاه نشودی، چرا که در آن مواد آشناز را جو دارد». ۳. «بر مصیبتی که به تو رسیده است، غمگین می‌باش».

**۱۴۶۶ گزینه ۲** سوال، از ما فعلی را خواسته است که معنای آن ماضی باشد. در گزینه ۲ فعل «لام تحضیر» هر جند مضارع است اما در گزینه ۴ «لام نهی» است. **ترجمه عبارت:** «شیفته بودم» است. **ترجمه سایر گزینه‌ها:** ۱. «کسی که با مذمت و تلاش کار نمی‌کند، موقفيت را در زندگی اش نخواهد دید». **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱. «خود را از روزی‌های یا کی که خداوند برای تو نازل نموده است، محروم نساز». ۲. «وارد آزمایشگاه نشودی، چرا که در آن مواد آشناز را جو دارد». ۳. «بر مصیبتی که به تو رسیده است، غمگین می‌باش».

**۱۴۶۷ گزینه ۲** سوال، از ما فعلی را خواسته است که معنای آن ماضی باشد. در گزینه ۲ فعل «لام تحضیر» هر جند مضارع است به صورت «مضارع اخباری» ترجمه می‌شود. **ترجمه عبارت:** «دشمنان گزینه می‌شوند». **ترجمه سایر گزینه‌ها:** ۱. فعل «لآخر» هر چیزی را که در گزینه ۱ نشاند، ۲. فعل «لآخر» هر چیزی را که در گزینه ۱ نشاند.

**۱۴۶۸ گزینه ۴** صورت سوال، از ما گزینه‌ای را خواسته است که در آن حرف «لام» از سه گزینه دیگر متفاوت باشد. حرف «لام» در آن‌ها «نهی» است. اما در گزینه ۴ «لام نهی» است. **ترجمه عبارت:** «فاطمه و دوستش ... به مدرسه در هفته آینده»، **ترجمه سایر گزینه‌ها:** ۱. در گزینه ۴ «کسی که با مذمت و تلاش کار نمی‌کند، موقفيت را در زندگی اش نخواهد دید». **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱. «خود را از روزی‌های یا کی که خداوند برای تو نازل نموده است، محروم نساز». ۲. «وارد آزمایشگاه نشودی، چرا که در آن مواد آشناز را جو دارد». ۳. «بر مصیبتی که به تو رسیده است، غمگین می‌باش».

**۱۴۶۹ گزینه ۲** سوال، از ما فعلی را خواسته است که معنای آن ماضی باشد. در گزینه ۲ فعل «لام تحضیر» هر جند مضارع است اما در گزینه ۴ «لام نهی» است. **ترجمه عبارت:** «دشمنان گزینه می‌شوند». **ترجمه سایر گزینه‌ها:** ۱. فعل «لآخر» هر چیزی را که در گزینه ۱ نشاند، ۲. فعل «لآخر» هر چیزی را که در گزینه ۱ نشاند.

**۱۴۷۰ گزینه ۴** صورت سوال، از ما گزینه‌ای را خواسته است که در آن حرف «لام» از سه گزینه دیگر متفاوت باشد. حرف «لام» در آن‌ها «نهی» است. اما در گزینه ۴ «لام نهی» است. **ترجمه عبارت:** «فاطمه و دوستش ... به مدرسه در هفته آینده»، **ترجمه سایر گزینه‌ها:** ۱. در گزینه ۴ «کسی که با مذمت و تلاش کار نمی‌کند، موقفيت را در زندگی اش نخواهد دید». **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱. «خود را از روزی‌های یا کی که خداوند برای تو نازل نموده است، محروم نساز». ۲. «وارد آزمایشگاه نشودی، چرا که در آن مواد آشناز را جو دارد». ۳. «بر مصیبتی که به تو رسیده است، غمگین می‌باش».

**۱۴۷۱ گزینه ۲** سوال، از ما فعلی را خواسته است که معنای آن ماضی باشد. در گزینه ۲ فعل «لام تحضیر» هر جند مضارع است به صورت «مضارع اخباری» ترجمه می‌شود. **ترجمه عبارت:** «هر کس چاهی را برای برادرش حفر کند، در آن می‌افتد». ۲. فعل «لام نهی» است و به صورت «امر منفی» ترجمه می‌شود. **ترجمه عبارت:** «دانش آموختن به دلیل سرمای هوا در گزینه ۲ نشاندند». **ترجمه سایر گزینه‌ها:** ۱. فعل «لآخر» هر چیزی را که در گزینه ۱ نشاند.

**۱۴۷۲ گزینه ۴** صورت سوال، از ما گزینه‌ای را خواسته است که در آن حرف «لام» از سه گزینه دیگر متفاوت باشد. حرف «لام» در آن‌ها «نهی» است. اما در گزینه ۴ «لام نهی» است. **ترجمه عبارت:** «فاطمه و دوستش ... به مدرسه در هفته آینده»، **ترجمه سایر گزینه‌ها:** ۱. در گزینه ۴ «کسی که با مذمت و تلاش کار نمی‌کند، موقفيت را در زندگی اش نخواهد دید». **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱. «خود را از روزی‌های یا کی که خداوند برای تو نازل نموده است، محروم نساز». ۲. «وارد آزمایشگاه نشودی، چرا که در آن مواد آشناز را جو دارد». ۳. «بر مصیبتی که به تو رسیده است، غمگین می‌باش».

**۱۴۷۳ گزینه ۲** سوال، از ما فعلی را خواسته است که معنای آن ماضی باشد. در گزینه ۲ فعل «لام تحضیر» هر جند مضارع است اما در گزینه ۴ «لام نهی» است. **ترجمه عبارت:** «فاطمه و دوستش ... به مدرسه در هفته آینده»، **ترجمه سایر گزینه‌ها:** ۱. در گزینه ۴ «کسی که با مذمت و تلاش کار نمی‌کند، موقفيت را در زندگی اش نخواهد دید». **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱. «خود را از روزی‌های یا کی که خداوند برای تو نازل نموده است، محروم نساز». ۲. «وارد آزمایشگاه نشودی، چرا که در آن مواد آشناز را جو دارد». ۳. «بر مصیبتی که به تو رسیده است، غمگین می‌باش».

**۱۴۷۴ گزینه ۴** صورت سوال، از ما گزینه‌ای را خواسته است که در آن حرف «لام» از سه گزینه دیگر متفاوت باشد. حرف «لام» در آن‌ها «نهی» است. اما در گزینه ۴ «لام نهی» است. **ترجمه عبارت:** «فاطمه و دوستش ... به مدرسه در هفته آینده»، **ترجمه سایر گزینه‌ها:** ۱. در گزینه ۴ «کسی که با مذمت و تلاش کار نمی‌کند، موقفيت را در زندگی اش نخواهد دید». **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱. «خود را از روزی‌های یا کی که خداوند برای تو نازل نموده است، محروم نساز». ۲. «وارد آزمایشگاه نشودی، چرا که در آن مواد آشناز را جو دارد». ۳. «بر مصیبتی که به تو رسیده است، غمگین می‌باش».

## از سوال ۱۴۷۸ تا ۱۴۹۸

پس گزینهٔ ۴ نادرست است. همچنین در این گزینهٔ ضمیر «کم» در دنیاکم ترجمه نشده است. همچنین «فَإِنَّ اللَّهَ يُفْتَحُ عَلَيْكُمْ» یعنی «خداؤند برای شما می‌کشاید» که این معنی در گزینه‌های ۱ و ۴ وجود ندارد. به این ترتیب، تنها گزینهٔ بی‌غلط گزینهٔ ۳ است.

**۱۴۸۹ گزینهٔ ۱ نکات کلیدی:** اسم اشاره و اسم بعد از آن، معرفه و نکره / بررسی گزینه‌های نادرست: این نکات کلیدی: «هذه التملة الصغيرة» یعنی «این موجہه کوچک»؛ پس گزینه‌های ۲ و ۳ نادرست است. از مقایسه گزینه‌های ۱ و ۲ بینیم که نقوای آنها در این است که «صانعه کبیره» و «مهندس حادثه» در گزینهٔ ۱ به صورت نکره ترجمه شده است و در گزینهٔ ۲ به صورت معرفه، می‌دانیم که این عبارت باید نکره معنی شود چون صانعه و مهندس نه «ال» دارد و نه اسم خاص است. بنابراین، گزینهٔ ۱ صحیح است.

**۱۴۹۰ گزینهٔ ۳ نکات کلیدی:** معنی فعل و مصدر، معنی فعل همراه با حرف جز «ب». ضمیر / بررسی گزینه‌های نادرست: قدمیاً (آمده کرداند) فعل است نه مصدر؛ بنابراین، ترجمه آن به صورت «مهیکار کدن» (گزینهٔ ۲) و «آمادشدن» (گزینهٔ ۴) که مصدر هستند نادرست است. از مقایسه دو گزینهٔ باقی مانده می‌بینیم که ضمیر در «تکالیفی» نیامده است. این باعث می‌شود که گزینهٔ ۱ هم نادرست باشد. به این ترتیب، تنها گزینهٔ بی‌غلط گزینهٔ ۳ است. **نکت کلیدی:** می‌بینیم در هچ گزینه‌ای فعل «قدیماً» به صورت ماضی نقلي ترجمه نشده است. ولی چون در این سوالات «صحيح ترین و دقیق ترین» گزینه را باید انتخاب کنیم، باید از این خطأ که در همه گزینه‌ها وجود دارد چشم پوشی کنیم.

**۱۴۹۱ گزینهٔ ۲ نکات کلیدی:** معنای واژه / ترجمه کل / زمان فعل. بحثها عن: جستجو کردن، به دنبال گشتنده / کل / آنها / شناسه / آنها را نشر دادند. پر اکنده / حضلاوا علی: به دست آورند. / بررسی سایر گزینه‌ها: ۱. بحثها عن: جستجو کردن، به دنبال گشتنده / کل / آنها / هر اتفاقی / تابع جمع است. ۲. / افضل علمهم: بهترین علوم آنها / حصلوا علی: به دست آورند. ۳. / ضمیر «هم» در علومهم و «ها» در نشروها ترجمه نشده است / نوش فعل ماضی است.

**۱۴۹۲ گزینهٔ ۱ نکات کلیدی:** زمان فعل / ترجمه «ل» / ضمیر. کانت چنین؛ درست می‌کرد (اگر + مضارع: ماضی استمراری) / و تجھزها: آنها را آمده می‌کرد (با توجه به حرف «و») کان روی فعل یجھز هم اثر می‌گذارد) / تابع: تابروشد / بررسی سایر گزینه‌ها: ۱. الأقمشة معرفه است: پارچه‌ها / کانت تصنیع: درست می‌کرد / و تجھزها: آنها را آمده می‌کرد / تابع: تابروشد / ۲. افتخاری: مادرم / ملباس نکره است: لباس هایی / کانت تصنیع درست می‌کرد / و تجھزها: آنها را آمده می‌کرد (ها مفعول است) / ۳. و تجھزها: آنها را آمده می‌کرد (ما مفعول است) / تابع: تابروشد

**۱۴۹۳ گزینهٔ ۳ نکات کلیدی:** ترجمه فعل. زمان فعل. اسم مفرد و جمع. ترجمه «ل» / تأثرب تحت تأثیر قرار گرفت / غیر: تغیر داد / تعتمد: باید گیری / لعل: باید بداند. / بررسی سایر گزینه‌ها: ۱. غیر: تغیر داد / تعتمد: باید بداند. ۲. تأثرب تحت تأثیر قرار گرفت ( فعل ماضی) / امتحانات جمع است / ۳. غیر: تغیر داد / لعل: باید بداند.

**۱۴۹۴ گزینهٔ ۴ نکات کلیدی:** اسم اشاره / زمان فعل / ترجمه «ل» / ضمیر هذه الأسماء: این ماهی‌ها / تستخدمند: به کار برند (فعل مضارع) / لستغدی: تا تغذیه کنند / بررسی سایر گزینه‌ها: ۱. عيون جمع است ضمیر «ها» در عینها معنی شده است / هذه الأسماء تستخدمند الأضواء ... این ماهی‌ها نورها را ... به کار می‌برند / ضمیر «ه» در علیه معنی شده است. ۲. ضمیر «ها» در صیدها معنی شده است / تستخدمند: فعل مضارع است / لستغدی: تا تغذیه کنند / ۳. هذه الأسماء: این ماهی‌ها / تستخدمند: فعل مضارع است / الأضواء: مفعول است

**۱۴۹۵ گزینهٔ ۱ نکات کلیدی:** ترجمه فعل / تشخیص نوع / لام / آخذت تبکی: شروع به گریه کرد (آخذ + فعل مضارع به معنی شروع انجام کار است) / سُئَّرَت به احساس کرد / فلتراجم: باید مراجعت کند (لام امر معنی «باید») / لاستقد: ناید استفاده کند (لای نهی در صیغه‌های غائب و متكلّم معنی «ناید» می‌دهد) / بررسی سایر گزینه‌ها: ۲. آخذت تبکی: شروع به گریه کرد / البنت: خواهر / ۳. آخذت تبکی: شروع به گریه کرد / الیم: درد مفرد است / رجلیها: پهابش (جلین مثنی است) / لاستقد: ناید استفاده کند / ۴. فلتراجم: باید مراجعة کند / لاستقد: ناید استفاده کند

**۱۴۹۶ گزینهٔ ۳ نکات کلیدی:** معنای واژه / ترجمه فعل / ترجمه لام / فعل مضارع قالات الأعراض: «عرب‌های بادیه نشین» (بادیه نشیان) گفته شد / آمتأ: «ایمان آوردم» (رد گزینهٔ ۲) / قل: «بگو» ( فعل امر) / لام ټۇمنىا: «ایمان نیاوردید، ایمان نیاورداید» (رد گزینهٔ ۴) / قولوا: «بگوئید» ( فعل امر) / اشتفنا: «سلام اوردم، مسلمان شدم» ( فعل ماضی؛ رد گزینهٔ ۱) / نکته درسی: «لام + مضارع»: ماضی ساده منفی، ماضی نقلي منفی

**۱۴۹۷ گزینهٔ ۴ نکات کلیدی:** اسم معرفه و نکره / صفت / ترجمه فعل / ترجمه «ل» / ارید: می خواهم (رد گزینهٔ ۲) / آن اهدی صدقیقی: «به دوستم بدهم، اهدا کنم» (رد گزینهٔ ۳) / هدته جمله «هدیه‌ای زیبا هدیه زیبایی» (ترکیب وصفی نکره) / لیسته عنده تقدوکشیه «بول زیادی ندارم» (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / فلاظیه: «پس باید صیر کنم» (رد گزینهٔ ۱ و ۳) / حتی آخ راتی: «تا حقوقم را بگیرم / فی نهاية الشهير: در بایان ماه (رد گزینهٔ ۲)

**۱۴۹۸ گزینهٔ ۳ نکات کلیدی:** اسم معرفه و نکره / معنای واژه / ترجمه «ل» / بعد اجراء / حفله: «بس از اجرای جشنی» (حفله نکره است؛ رد گزینهٔ ۱) / بمناسبت العام الدراسي الجديد: «به مناسبت سال تحصیلی جدید» («آغاز» در گزینهٔ ۲ اضافی است و در جمله عربی معادل ندارد) / لغرف طلاقجه: «دانش آموزان ما باید بدانند» (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / آن مُستقبل البلاد: که آینده شور» / فی أيديهم القوتية: «در دستان توأم‌مند ایشان است» (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

۱۴۷۸ گزینهٔ ۳ نکات کلیدی: نوع «ل»، معنی فعل، ضمیر / بررسی گزینه‌های نادرست: این نکات کلیدی: نوع «شروع شد» امتحان هم فاعل است پس گزینه‌های ۱ و ۴ اشتباه است. فلعل: ف + ل (لام امر) + نعلم به معنی «باید بدانیم» (رد گزینهٔ ۲ و ۴) / تعلم مصدر به معنی «باید گیری» (رد گزینهٔ ۲ و ۴) / در گزینهٔ ۲ ضمیر «هم» در (دروسم) ترجمه نشده است. و علیهم أن لا: این اصطلاح به صورت «باید .... + فعل منفی» یا «باید .... + فعل مثبت» ترجمه می‌شود.

۱۴۷۹ گزینهٔ ۱ نکات کلیدی: معنی فعل مضارع / بررسی گزینه‌های نادرست: آم یعلمما!

لم + مضارع: معادل ماضی منفی، سوم شخص جمع به معنی «دانستند» که فقط در گزینهٔ ۱ درست ترجمه شده است. بیشط: فعل مضارع که در گزینهٔ ۴ به صورت ماضی ترجمه شده است. در گزینهٔ ۴ (من) به معنی «آن» آمده که اشتباه است.

۱۴۸۰ گزینهٔ ۴ نکات کلیدی: معنی فعل مضارع، ضمیر / بررسی گزینه‌های نادرست:

قلیعیدوا: ف + ل (لام امر) + بعیدوا به معنی «باید ععادت کنند» که فقط در گزینهٔ ۴ درست ترجمه شده است. اطمهم: فعل + ضمیر (مفعول) که در گزینهٔ ۳ اشتباه ترجمه شده است. لفظ «جوع» در گزینهٔ ۲ ترجمه نشده. آمتهم: فعل + ضمیر (مفعول) در گزینهٔ ۱ و ۳ ترجمه نشده است.

۱۴۸۱ گزینهٔ ۲ نکات کلیدی: معنی فعل، مفرد و جمع / بررسی گزینه‌های نادرست:

آشاه: اشاره کرده است (رد گزینهٔ ۴) / بعید فعل مضارع به معنی «دوست دارد» (رد گزینهٔ ۳) / شهادة الدكتوراه: مدرک دکتراه دکترا افتخاری (رد گزینهٔ ۴) / الدکتوراه معروف است که در گزینهٔ ۳ نکره ترجمه شده است. لفظ «احدى» به معنی «یکی» در گزینهٔ ۲ ترجمه نشده است. جامعات جمع است که در گزینهٔ ۱ به صورت مفرد ترجمه شده است. الدول جمع است که در گزینهٔ ۴ به صورت مفرد ترجمه شده است.

۱۴۸۲ گزینهٔ ۳ نکات کلیدی: اسم اشاره نوع ترکیب، نوع فعل / بررسی گزینه‌های نادرست:

نادرست: همه از این نکات کلیدی: اس آل دار (این زن) + عالمه (خبر)؛ این زن دانشمندی است که فقط در گزینهٔ ۳ درست ترجمه شده است. أشهر اسم تفضیل «مشهورترین» (رد گزینهٔ ۱) / المُسْتَشْرِقُين معرفه که در گزینهٔ ۴ به صورت نکره ترجمه شده است. کانت تلقی محاضراتی: کان + مضارع + معادل ماضی استمراری «سخنرانی هایی می کرد» در ضمن وجود حرف ربط «و» باعث می شود که تدعیه به صورت ماضی استمراری ترجمه شود. (رد گزینهٔ ۱ و ۴) / العالمین اسم جمع «جهانیان» در گزینهٔ ۲ مفرد آمده و در گزینهٔ ۲ به شکل مفرد آمده است. که ترجمه (العالمین) است. الحقائق اسم جمع است که در گزینهٔ ۲ به این ترتیب، تنها گزینهٔ بی‌غلط گزینهٔ ۳ است.

۱۴۸۳ گزینهٔ ۳ نکات کلیدی: معنی «ل» به همراه نوع فعل / بررسی گزینه‌های نادرست:

نادرست: لستربیع یعنی «تا استراحت کند». این معنی فقط در گزینهٔ ۳ وجود دارد. علاوه بر این، «لم تُنْفَعَ مِنْ مَرْضَهَا» یعنی «از بیماری اش شفا نیافرته بود» (رد گزینه‌های ۱ و ۴) به این ترتیب، تنها گزینهٔ بی‌غلط گزینهٔ ۳ است.

۱۴۸۴ گزینهٔ ۲ نکات کلیدی: معنی و صیغه فعل، ضمیر / بررسی گزینه‌های نادرست:

عاهدنی (= عاهد + ن + ای) یعنی «به من تعهد داد» (رد گزینه‌های ۳ و ۴). آن لا یکذب

معادل مضارع ترازی منفی است: یعنی «که دروغ نگوید» (رد گزینه‌های ۱ و ۴). فی حیاته

یعنی «در زندگی اش»؛ (رد گزینهٔ ۱) لن یتساها آینده منفی است: یعنی «آن را فراموش

نخواهد کرد» (رد گزینهٔ ۱)، به این ترتیب، تنها گزینهٔ بی‌غلط گزینهٔ ۲ است.

۱۴۸۵ گزینهٔ ۴ نکات کلیدی: اعداد اصلی و ترتیبی، معنی عبارت «آخر الصفة» زمان فعل / بررسی گزینه‌های نادرست:

يعني آخر ياتي بـ انتهاء كلاس: (رد گزینه سوم): «زنج سوم»؛ (رد گزینهٔ ۲). آخر الصفة

يعني آخر ياتي بـ انتهاء كل سنه: (رد گزینهٔ ۳). لم تستطع ماضی منفی است: یعنی «توانسته». (رد گزینهٔ ۱). دقت

کنید، با توجه به این که یک فعل ماضی در آغاز عبارت وجود دارد، زمان سایر فعل‌ها را

باید براساس آن ترجمه کرد تا جمله فارسی معنی درستی داشته باشد. به این ترتیب، تنها

گزینهٔ بی‌غلط گزینهٔ ۴ است.

۱۴۸۶ گزینهٔ ۱ نکات کلیدی: معنی فعل، معنی فعل، ضمیر / بررسی گزینه‌های نادرست:

نادرست: لتعلم يعني باید «دانیم»؛ پس گزینه‌های ۲ و ۴ نادرست‌اند. الاهتمام و اکل هر دو

فعل (گزینهٔ ۳) نادرست است، پس تنها گزینهٔ بی‌غلط گزینهٔ ۱ است.

۱۴۸۷ گزینهٔ ۴ نکات کلیدی: زمان و معنی فعل، مفرد و جمع / بررسی گزینه‌های نادرست:

نادرست: لم علمنوا (دانستند) ماضی منفی است. پس گزینه‌های ۱ و ۳ غلط‌اند. لا یقطن

(نالمید نمی‌شود) مضارع منفی است: یعنی «لستقد» (رد گزینهٔ ۲) هدف جمع است: یعنی «لستقد» (رد گزینهٔ ۳) نادرست است، پس تنها گزینهٔ بی‌غلط گزینهٔ ۱ است.

۱۴۸۸ گزینهٔ ۳ نکات کلیدی: زمان فعل، مفرد و جمع / بررسی گزینه‌های نادرست:

نادرست: لاترکوا فعل نهی برای سوم شخص جمع مذکور است: یعنی «ترک نکنید» یا «رها

نکنید». این معنی در گزینه‌های ۱ و ۲ وجود ندارد. در مقایسه دو گزینه باقی مانده می‌بینیم

که در گزینهٔ ۴ «امور» و در گزینهٔ ۳ «امر» وجود دارد. در جمله عربی این کلمه مفرد است

## از سوالات ۱۴۹۹ تا ۱۵۳۴

۱۵۰

**۱۵۱۵. گزینه ۲ بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱. تغییرت: تغییر کرد.<sup>۳</sup> حرج: تنگنا.<sup>۴</sup> بوضع: قرار داده می‌شود (مضارع مجهول)

**۱۵۱۶. گزینه ۴ قد تصنیع:** گاهی درست می‌شود (ساخته می‌شود)، قد بر سر فعل مضارع به معنی «گاهی» است.

**۱۵۱۷. گزینه ۳ الفحص یعنی «معاینه»، که تعریف آن «نوشتن داروها برای بیمار» نیست.**

**۱۵۱۸. گزینه ۲ «تو دچار (مصاب) سرماخوردگی شدید هستی و تب (حُمّی) شدیدی داری»، شعرث (احساس می‌کنم) و وصفه (نسخه) در این جمله بی معنی هستند.**

**۱۵۱۹. گزینه ۱ معنی صحیح در سایر گزینه‌ها:** ۱. تضخی: مراثیت کرد؛ ۲. لکش: تا بنویسم.<sup>۳</sup> آن یکون: که باشد؛ فلیتوکل: پس باید توگل کند.<sup>۴</sup> آنل: نازل شد؛ تضخی می‌شود

**۱۵۲۰. گزینه ۲ مشک:** عطیر است که از نوعی از آهوانه گرفته می‌شود. **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱. عربی شده: کلماتی غیر عربی هستند که وارد زبان فارسی شدن.<sup>۳</sup> بال، عضوی است که ماهی‌ها به وسیله آن حرکت می‌کنند.<sup>۴</sup> آهنگر: کسی است که نان را با خمیر درست می‌کند.

**۱۵۲۱. گزینه ۳ آخر یعنی «دیگر» و آخر (پایان): نهایه.**

**۱۵۲۲. گزینه ۱ أضم (بنهان): أخفي**

**۱۵۲۳. گزینه ۴ این گزینه دو جمع دارد. المعاصی (گناهان)، مفرد: المعصية؛ الذنوب (گناهان)، مفرد: الذنب/ **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱. إخوة (برادران)، مفرد: أخ؛ آیات (شناسه‌ها)، مفرد: آية؛ الشّاللین (بیرشگران)، مفرد: الشّالل، این گزینه سه جمع دارد.<sup>۲</sup> التّاجعون (پیروزها)، مفرد: التّاجعُ الْآخَرِين (دیگران)، مفرد: الْأَتْقَرُ: فقراء (تھیدستان)، مفرد: فقير. این گزینه سه جمع دارد. وقت کنید که إعْجَاب (شگفتگی) جمع نیست.<sup>۳</sup> صفات (ویزگی‌ها)، مفرد: صفة: المؤمنين (مؤمنان)، مفرد: المؤمن: مکارم (صفات خوب)، مفرد: مکرمہ. این گزینه سه جمع دارد.**

**۱۵۲۴. گزینه ۲ از رحمت خداوند نامید نمی‌شوند (لا بیاں) مگر قوم کافران. واژه مناسب برای سایر گزینه‌ها:** ۱. کودکان توب‌بازی می‌کرند و بعد از بازی شاد شدن (صاروا) لیسوای عینی «نیستند». ۲. دکتر آنے ماری شمل یکی از مشهورترین شرق‌شناسان به حساب می‌آورد. تقدیع یعنی «به حساب می‌آورد»: این فعل به مفعول نیاز دارد و در این جمله مفعولی نیست و مفهوم ندارد. فعل باید مجهول (تُعَدُّ باشد؛ یعنی «به حساب آورده می‌شود»)<sup>۴</sup> نزدیک بود دروغ مرا بگشود. لذا بعد از این هرگز دروغ نخواهم گفت (لن آکذب). تم آکذب یعنی دروغ نگفتم که در این جمله عینی نمی‌دهد.

**۱۵۲۵. گزینه ۱ مشک:** عطیر است که از نفت گرفته می‌شود که درست نیست. **ترجمة سایر گزینه‌ها:** ۲. شکست خورد (فشنل): موقن نشد و زیان دید.<sup>۳</sup> رویه رو شد (واجه): به صورت جهره‌چهره دید.<sup>۴</sup> انتوپوس (الحافلة): وسیله برای جابجای مردم و بعضی دانش آموزان با آنها به مدرسه می‌روند.

**۱۵۲۶. گزینه ۳ بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱. ظهر: آشکار شد.<sup>۲</sup> ابدل: عوض می‌کنم.<sup>۴</sup> لم بنظرها بینشنا: نگاه نکردن، آنها را ساختن.

**۱۵۲۷. گزینه ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱. أجور: مزدها.<sup>۲</sup> لیهدی: تا هدایت کند.<sup>۳</sup> قلیعیدو: باید عبادت کنند

**۱۵۲۸. گزینه ۳ جمع کنز (گنج) کنوز است.**

**۱۵۲۹. گزینه ۱ الْأَهْل (خانواده)، الأُسْرَة**

**۱۵۳۰. گزینه ۴ أَمْرَنِي: مرأ فرمان داد.**

**۱۵۳۱. گزینه ۱ در این گزینه، غداآفرادا بالم برچرخ (بازنگشت) که ماضی منفی است متناسب نیست. **ترجمة سایر گزینه‌ها:** ۲. کسی که می‌خواهد قوی ترین مردم باشد باید به خداوند توکل کند (فلیتوکل).<sup>۳</sup> بهترین برادران شما کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند (آهدی).<sup>۴</sup> شیمل قلی از فواشن به همکارانش وصیت کرد که تشکیل دهنده (آن یشکل‌کلو) گروهی را برای گفت و گوی دینی.**

**۱۵۳۲. گزینه ۴ الزیاح (بادها)، مفرد: الزیح: السُّقُن (کشتی‌ها)، مفرد: السفينة/ **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱. دراسات (درس‌ها)، مفرد: الدراسة، هم در گزینه ۱ جمع است.<sup>۲</sup> الْأَفَ (هزاران)، مفرد: الْأَف، هم در گزینه ۲ جمع است.<sup>۳</sup> الملايين (میلیون‌ها)، مفرد: مليون. هم در گزینه ۳ جمع است. در ضمن العالم مفرد است.**

**۱۵۳۳. گزینه ۳ ترجمه:** دیال و از نهادهای می‌گردم که در فهمیدن متن‌ها به من کم کد (یسعادعني). **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱. استاد به دانشجویان نصیحت کرد که با خط خوانا بنویسند (آن تکتیوا)؛ لاتکتیوا یعنی «بناید بنویسند» که معنی درستی در این جمله ندارد.<sup>۲</sup> دانشجو بعد از فارغ‌التحصیلی اش (تخریج) از دانشگاه دانشمند بزرگی شد. إخراج در اینجا معنی نمی‌دهد.<sup>۴</sup> دانش آموزان مدرسه خود را تبیز کردند، پس مدرسه تبیز شد (صارث یا أصحابت). لیست یعنی «نیست» و در این جمله معنی نمی‌دهد.

**۱۵۳۴. گزینه ۱ کسی که امیدی به موقبیت ندارد: مأیوس (نامید) معنی سایر گزینه‌ها:** ۲. صفتی: برگزیده.<sup>۳</sup> مکروب: اندوهگین.<sup>۴</sup> الحليم: بردار

**۱۴۹۹. گزینه ۴ نکات کلیدی:** ساختار فعل نهی، صیغه و زمان فعل / «باید تو را اندوهگین کند.» و «نامید نشو» هر دو با ذکر «لا» نهی بر سر فعل مضارع ساخته می‌شوند.

/ **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱. «لا يحزن» و «لا تُعَنِّ» هر دو مضارع منفی هستند و معادل «اندوهگین نمی‌کند» و «نامید نمی‌شود» ترجمه می‌شوند.<sup>۲</sup> «يَفْرُون» مضارع است و ضمیر «ک» در «لا يَحْرُكْ» مذکور است.<sup>۳</sup> «لا تَحْرُنْ» به معنی «اندوهگین نیاش» است.

**۱۵۰۰. گزینه ۴ نکات کلیدی:** انواع (ل) / اسم اشاره / لا فتش عن خل: باید راه حلی را جستجو کن / لهجه المشاكل: برای این مشکلات / **بررسی گزینه‌های نادرست:** ۱. «مَنْ

در این آیه ادات شرط است و باید «هر کس» ترجمه شود. هم‌چنین شاء فعل شرط است و به صورت التزامی «بخواهد» ترجمه می‌شود. هم‌چنین بر اوس معاذر در جمله عربی ندارد.

/ **ترجمة درست:** «بگو: حق از جانب پروردگار شما است. پس هر کس که بخواهد باید ایمان بیاورد».<sup>۲</sup> در این گزینه (نمی‌دانند) نادرست است، چرا که «الم» اگر بر سر فعل مضارع وارد شود معنای آن را به «ماضی ساده منفی» یا «ماضی نقلي منفي» تبدیل می‌کند، لذا «نمی‌دانند» نادرست است و درست آن «ندانسته‌اند» یا «ندانسته‌اند» می‌باشد.<sup>۳</sup>

۴ در این گزینه فعل یتکوکلون باید به صورت مضارع اخباری ترجمه شود و ترجمه شدن آن به صورت «باید توکل کنند» نادرست است. **ترجمة صحيح:** «مؤمنان در زندگی خود تنها بر خداوند توکل می‌کنند».

**۱۵۰۱. گزینه ۱ نکات کلیدی:** زمان فعل / معنای واژه / انواع (ل) گزینه ۱. کافت تُجَبُ:

دوست می‌داشت (ماضی استمراری) / العيش: زندگی / زندگی کردن / **بررسی گزینه‌ها:** ۱. کافت تُجَبُ:

۲. درس خواند (درست به معنی «درس داد، تدریس کرد» است نه «درس خواند»).<sup>۳</sup> سفارش می‌کرد (کافت قد اوصت: سفارش (وصیت) کرد بود)/<sup>۴</sup> باید تشکیل دهنده چون ادامه گزینه قل است و علت انجام فعل دیگر را توضیح می‌دهد).

**۱۵۰۲. گزینه ۳ بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱. لم یاکل: نخود (لم + مضارع: ماضی منفی)/

۲. الْأَم: ضمیر ندارد / ضمیر متصل به طفل معنی نشده است.<sup>۳</sup> لا تکثري: زیاده روی نکن / فعل نهی مخاطب)

**۱۵۰۳. گزینه ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱. هر کس بر خدا توکل کند او برایش کافی است.«(حمله شرطی) /<sup>۲</sup> حیاته: زندگی اش.<sup>۳</sup> لم ارجاع: لم ارجاع،

**۱۵۰۴. گزینه ۲ نکات کلیدی:** معنای (ل) / **بررسی گزینه‌های نادرست:** ۱. ليشرروا «يابد بخرند» و «المتغير» معرفه است.<sup>۲</sup> «لهاكتاب» / كتابي دارد.<sup>۴</sup> هذا «ابن لباسی». «الْأَقْلَى» ماضی است (انداخت)

**۱۵۰۵. گزینه ۲ نکات کلیدی:** فعل مضارع / **بررسی گزینه نادرست:** لم ارجاع: لم + مضارع: معادل ماضی منفی «مرا جعه نکردم»

**۱۵۰۶. گزینه ۱ نکات کلیدی:** فعل مجهول بررسی گزینه قد مفعع در گزینه ۱ معنای از نظر معنایی دناله هم هستند.

**۱۵۰۷. گزینه ۱ نکات کلیدی:** فعل جمله و صفت / **بررسی گزینه نادرست:** «مسکيناً» نکره است به معنی «نیازمند» و «بطلب» فعل مضارع که قبل از آن ماضی آمده و باید به صورت ماضی استمراری ترجمه شود.

**۱۵۰۸. گزینه ۳ نکات کلیدی:** فعل ارجاع / انواع (ل) در گزینه ۳، فعل یتکنفع فعل امر به حرف الام است و باید به صورت «باید بهره ببرد» ترجمه شود. هم‌چنین فعل لا یَحْرُمْ فعل نهی (امر منفی) است و باید به صورت «نایابه بجهة بجهة» ترجمه شود. **ترجمة صحيح:** عبارت: «انسان باید در دنیا همواره از نعمت‌های خداوند بهره ببرد و نایاب خودش را از آنها محروم سازد».

**۱۵۰۹. گزینه ۴ لیطلب: باید طلب کند (لام امر)**

## پاسخ نامه درس ۷ عربی یازدهم

**۱۵۱۰. گزینه ۱ بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲. مشکاه (چراغدان) و مصباح (چراغ) متراffد نیستند.

وراه (پشت) و أمام (رو به) متراffد هستند.<sup>۴</sup> فائزه (برنده) و ناجح متراffد هستند.

**۱۵۱۱. گزینه ۴ جمع ها در سایر گزینه‌ها:** ۱. الزیاح (بادها) جمع الزیح است: السُّقُن (کشتی‌ها) جمع السفينة است.<sup>۲</sup> أَعْدَاد (عددها) جمع بعد است: دراسات (درس‌ها) جمع دراسته است: الْمُدَرَّسَات

۳. الْأَفْرَان (اسپ‌ها) جمع فَرَس است.

**۱۵۱۲. گزینه ۳ جمع کنز (گنج) کنوز است.**

**۱۵۱۳. گزینه ۲ مفرد الباهم البهیمة است.**

**۱۵۱۴. گزینه ۴ حرج یعنی تنگنا: با حراج که در فارسی به کار می‌رود بی ارتباط است / فريق یعنی تیم و به فراق (دوری) ربطی ندارد. علاوه بر این، هم حراج و هم فراق هر دو عربی هستند.**